

جلسه ۶۸

صورت مشروح مجلس یوم سه شنبه شانزدهم جمادی الثانی هزار و سیصد و چهل مطابق بیست و پنجم دلو ۱۳۳۰

مجلس یکساعت و نیم قبل از غروب در تحت ریاست آقای مومتن‌الملک تشکیل گردید صورت مجلس ۲- یوم پنجشنبه دلو را آقای تدین فرانت نمودند

رئیس - نسبت بصورت مجلس اعتراضی هست یا خیر؟ (اظهاری نشد)

رئیس - صورت مجلس تصویب شد آقایانی که قسم یاد نکرده‌اند تشریف بیاورند قسم یاد کنند - آقای سردار جنک ( غائب بودند ) آقایان شیخ الاسلام اصفهانی. و کیل‌الملک حاجی میرزا تقی - نان. آقا سید محمد تقی طباطبائی . نظام‌الدوله . میرزا محمد نجات

حیدرالملک را آقای رئیس برای مراسم تحلیف فردا ردا حاضر فرموده و قسم نامه ردا در حضور قرآن مجید بمصون ذیل قرائت و امضاء نمودند

ما اشخاصی که در ذیل امضاء کرده ایم خداوند را بشهادت میطلبیم و بقرآن قسم یاد می کنیم مادام که حقوق مجلس و مجلسیان مطابق این نظامنامه محفوظ و مجری است تکالیفی را که بما رجوع شده است مهما و امکان با کمال راستی و درستی وجد و جهد انجام بدهیم و نسبت با علیحضرت شاهنشاه متبوع عادل مغفم خودمان صدیق و راستگو باشیم و با اساس سلطنت و حقوق ملت خیانت ننمائیم و هیچ منظوری نداشته باشیم جز فوائد و مصالح دولت و ملت ایران

رئیس - قبل از اینکه داخل مذاکرات دستور شویم چند فقره لوابح رسیده است که عرض می شود و بعداً فرستاده میشود به کمیسیونهای مربوطه

اولا لایحه تقاضای ۱۵ هزار تومان اعتبار برای انتصابات ولایات که بکمیسیون بودجه مراجعه می شود ثانیاً لایحه تقاضای ۱۰ هزار تومان اعتبار برای بخرارج ضروری سرویس حمل و نقل مراجعه می شود بکمیسیون پست و کمیسیون بودجه.

ثالثاً لایحه راجع به اضافات نرخ بستی سکه ارسال به کمیسیون پست میشود .

رابعاً لایحه راجع به برقراری مستمری برای ورثه مرحوم همادالدوله آن هم ارسال به کمیسیون بودجه میشود .

خامساً لایحه راجع بصدور پوست بره است که ارسال بکمیسیون قوانین مالی می شود .

وزیر عدلیه - قبل از اینکه مجلس شورای ملی داخل در مذاکره دستور شود اجازه میخواهم آقای آقامیرزا رضا خان را بسمت معاونت وزارت عدلیه معرفی نمایم .

رئیس - لایحه پیشنهادی دولت راجع بقوانین توفی عدلیه مطرح است (آقای وحیدالملک

(اجازه)

وحیدالملک - عرضی ندارم

رئیس - آقای نصرت‌الدوله

(اجازه)

گفته شد غائبند

رئیس - آقای ارباب کیخسرو موافقید؟

ارباب کیخسرو - بنده از آقای وزیر عدلیه

سوالی دارم

رئیس - بفرمائید

ارباب کیخسرو - درحالی که تصوری کم از

طرف قانون گذاران فقط باید از آقای مشیرالدوله

تشکر بشود که هر وقت زمامداری را اختیار کرده‌اند

در واقع از پیشنهاد قوانین خودداری نداشته‌اند و خیلی

امیدواری بخود میدهم که آقای وزیر عدلیه در این

پیشنهادی که کرده‌اند اصول قانون اساسی را مخصوصاً

از هشتمالی هفدهم متمم قانون اساسی که برای آسایش

و حفظ حقوق عمومی است رعایت نموده‌اند ولی در عین

حال مجبورم از آقای وزیر عدلیه سوال کنم آیا در

ضمن قوانینی که در نظر گرفته‌اند پیشنهاد کنند اصل

شصت و ششم و هفتم قانون اساسی را هم در نظر

گرفته‌اند یا خیر؟ و محض تذکر این دو اصل را می خوانم

که مقصود بنده را خوب ملتفت شوند :

اصل شصت و ششم - مسئولیت وزراء و سیاستی را

که داخل بآنها میشود قانون معین خواهد نمود

اصل هفتم - تعیین تقصیر و مجازات وارده بر وزراء

در موقعی که مورد اتهام مجلس شورای ملی یا مجلس

سنشوند در امور اداری خود دچار اتهامات شخصی مدعیان

کردند منوط بقانون مخصوصی خواهد بود

بنده که از آقای وزیر عدلیه این سوال را می کنم

تقاضا دارم که مخصوصاً در نظر داشته باشد (و شاید هم

در نظر داشته باشند) چون سوال بنده بیشتر متوجه اصل

شصت و نهم است و تصوری گنم پیشنهاد کردن این

قانون بیشتر راجع بوزارت عدلیه باشد اصل ۶۹ می نویسد

مجلس شورای ملی یا مجلس سنا تقصیر وزراء در محضر

دیوانخانه تمیز عنوان خواهند نمود و دیوانخانه مزبوره

با حضور تمام اعضاء مجلس محاکمات دائره خود محاکمه

خواهد کرد الی آخر، و گمان میکنم تقاضای بنده که

مراعات این اصول است بی جا نباشد برای اینکه در

موقع وضع هر قانون حتی در موقعی که در بودجه

مذاکره میشد تمام مذاکراتی که در اینجامی باشد راجع

بود بفلاکت و بیچارگی مردم و اینکه حقوق مردم بطوریکه

باید رعایت شود نمی شود بنده بیشتر این فلاکت و

بدبختی ها را از این میدانم که قانون مسئولیتی هنوز

برای وزراء وضع نشده است و اگر آن قانون وضع شود

و وزراء تکلیف خودشان را بدانند تصور می کنم در

پیشانی و بیچارگی مردم تخفیفی حاصل شود این بود

که بنده خواستم نظر آقای وزیر عدلیه را در اینجا

بدانم که آیا آن اصول را در نظر گرفته‌اند

یا خیر؟

وزیر عدلیه - البته بطور کلی باید گفت

که قانون اساسی ما اصول زندگانی اجتماعی را

معین کرده و بر طبق آن اصول قوانین فرعیه باید

تدوین شود و همینطور که آقای ارباب کیخسرو اشاره

فرمودند آقای رئیس الوزراء و دولت حاضره که در صدد خواهند بود که نسبت بکلیه اصول که در مملکت مجری است قوانین فرعیه آنها را تهیه نموده و بمجلس تقدیم کنند این تذکری که آقای ارباب کیخسرو دادند در نظر بنده خواهد بود و با آقای رئیس الوزراء هم عرض خواهم کرد چون این قانون يك قانون عمومی است مملکتی و با توافق نظر ایشان این قانون تهیه شده و بمجلس شورای ملی تقدیم خواهد شد و بر فرض هم از طرف دولت مسامحه بشود آقایان نمایندگان خودشان هم حق دارند پیشنهاد قانون نمایند و ممکن است در حدود این اصول قانونی نوشته شود که مقصود خود را بفرهنگی که مقتضی میدانند در آن عمل فرمایند و پس از اینکه بنظر هیئت دولت هم رسید از تصویب مجلس بگذرانند

رئیس - آقای حاج شیخ اسدالله بالا یحه موافقت

حاج شیخ اسدالله - بلی موافقم

رئیس - آقای سلیمان میرزا اجازه

سلیمان میرزا - بنده موافقم

رئیس - آقای فتح الدوله موافقت یا مخالف؟

فتح الدوله - مخالف

رئیس - بفرمائید

فتح الدوله - این پیشنهادی که آقای وزیر عدلیه

بمجلس تقدیم کرده‌اند در مقدمه سه دلیل برای این

پیشنهاد ذکر فرموده‌اند دلیل اولشان این است

که این قوانین که در کمیسیون عدلیه تصویب می شود

بموقع اجرا گذارده شود نامعایب آن در ضمن عمل

معلوم گردد و بعد از آنکه معایب معلوم شد آنوقت

آن قانون را بمجلس آورده و می گذرانند دلیل

دوم آنکه چون وقت مجلس کم است و قوانین زیاد و

اگر بخواهند تمام قوانین را بمجلس بیاورند و بگذرانند

ممکن است خیلی طول بکشد و يك دلیلشان هم گویا

این باشد که در مجلس دوم و سوم این مسئله سابقه

داشته و قوانین عدلیه را در کمیسیون می بردند و پس

از تصویب کمیسیون بموقع اجرا می گذارند بنده

این سه دلیلی را که در مقدمه ذکر کرده‌اند هیچک از

آنها موجه نیست زیرا اولاً فرموده‌اند معایب قانون

در ضمن عمل معلوم میشود و بعد بمجلس می آورند و این

بطور خوبی از مجلس بگذرد .

بنده عرض میکنم مجلس همیشه هست و قوانینی که

از مجلس می گذرد مثل قوانین شرع نخواهد بود که

بامتناسبت آن قوانین باقی باشد بز فرض که مجلس يك

قانونی وضع کرده و بموقع اجرا گذاشتند دیدند چهار

پنج ماده اش ناقص است نواقص آن را بنویسند با دلایل

آن به مجلس بیاورند تا مجلس مجدداً آنرا اصلاح

کنند پس این دلیل نمی شود که مجلس وظیفه قانونگذاری

خود را از دست بدهد به کمیسیون و گذار کند و اما

اینکه فرمودند وقت مجلس کم است و طول میکشد

بنده عرض می کنم در هفته تقریباً نزدیک صد و هفتاد

ساعت ما وقت داریم و از ابتدای تشکیل مجلس تا بحال

هر هفته شش ساعت بیشتر کار نکرده ایم و مابقی را

تقریباً بی کار بوده ایم بلکه می توانم بگویم که به

بطالت می گذرانیم

( جمعی اظهار کردند اینطور نیست و مدتی در کمیسیونها کار می کنند )

**فتح الدوله** بندهم جزو کمیسیون هشتم و می دانم هفته ای ۶ ساعت بیشتر اینجا کار نمی کنیم تقریباً هفته سه جلسه است و در هر جلسه دو ساعت بیشتر مجلس رسمی نیست و روزی یک ساعت هم در کمیسیون هستیم و مابقی آن را بیکاریم در اینصورت ممکن است وقت مجلس را زیاد کنیم بطوریکه هر روز مجلس دائر باشد و ما بیایم در قوانین نظر کنیم بمقیده بنده چیز مشکلی نیست البته مجلس وقتی کار داشته باشد هر روز پنج ساعت مجلس را ادامه بدهیم قوانینی که دولت پیشنهاد میکند در مجلس مورد بحث قرار می دهیم پس این دلیل هم بنظر بنده موجه نیست و اما اینکه فرمودند مجلس دوم و سوم هم اینکار را کرده و سابقه دارد بنده این را سوء سابقه نمی دانم و سابقه را وقتی دلیل قرار می دهند که حسن سابقه باشد مواد قانونی برخلاف آن سابقه صراحت نداشته باشد.

وقتی که مواد قانون اساسی که ام القوانین است بالصراحه برخلاف این ترتیب حکم کند و بگوید قوانین حتماً باید از مجلس بگذرد اگر ما بخواهیم این مسئله را به کمیسیون واگذار کنیم برخلاف قانون اساسی است و باید بحالت نکشید و گفت این مسئله سوم سابقه است و چند ماده در قانون اساسی هست که اگر اجازه بفرمائید می خواهم تا معلوم شود که قانون اساسی چه قسم دستور وضع قوانین را می دهد قانون اساسی می گوید هر قانونی که از مجلس شورای ملی بگذرد و بصحه همایونی برسد صورت قانونی ندارد و بوقع اجرا گذارده نمیشود بنده می بینم که اگر بخواهم در این زمینه قدری زیاده تر حرف بزنم شاید بعیالیات قلمی وزارت عدلیه سکنه وارد بیاید باین جهت بنده بیشتر از این عرض نمیکنم اما این کلمه موقتی هم که در قوانین عدلیه گذارده اند بمقیده بنده دلیل موقتی بودن نمیشود برای اینکه دوازده سال است این قوانین در عدلیه مجری است و باید آکسی نیاورده که از مجلس شورای ملی بگذراند و بنده از آقای وزیر عدلیه خیلی متشکر میشوم اگر آن قوانین سابق راهم که سابقاً است موقتاً بوقع اجرا گذارده اند و آن اصلاحاتی را که در آنها در نظر گرفته اند ضمیمه این قوانین تصویبی کمیسیون بفرمائید و بیاورند از مجلس شورای ملی بگذراند تا قوت قانونیت را بعود بگیرند ( ما و کلاً اصلاحاتی برای مجلس نقص مواد قانون اساسی نداریم اگر مجلس در این خصوص رأی بدهد برخلاف قانون اساسی عمل کرده )

( جمعی اظهار داشتند خیر اینطور نیست )

**آقا میرزا محمد نجات** - سواد مذکور را بفرمائید فتح الدوله - بمقیده بنده اینطور است مثلاً اصل چهل و هفتم میگوید ( مادام که مجلس سنا تشکیل نشده فقط امور بمذا تصویب مجلس شورای ملی بصحه همایونی موشح و بموقع اجرا گذارده خواهد شد

معنی این ماده اینست که قوانین تا بصوب مجلس نرسد صورت قانونیت ندارد پس باید اول تصویب مجلس برسد آن وقت بموقع اجرا گذارده شود اگر تصویب کمیسیون باشد صورت قانونی ندارد اصل شانزدهم میگوید ( کلیه قوانین که برای تشیید مبنای دولت و سلطنت و انتظام امور مملکتی و اساس وزارتخانه ها لازم است باید بتصویب مجلس شورای ملی برسد اصل هفدهم لایحه لازم را در ایجاد قانونی با تغییر و تکمیل و نسخ قوانین موجوده مجلس شورای ملی در موقع لزوم حاضر مینماید که بتصویب مجلس سنا بصحه همایونی رسیده و بموقع اجرا گذارده شود حالا که مجلس سنا نیست باید قوانین بتصویب مجلس شورای ملی برسد و بصحه همایونی موشح شده بموقع اجرا گذارده شود بمقیده بنده این لایحه برضه قانون اساسی است و ما و کلاً صلاحیت نداریم برضه اصول قانون اساسی رأی بدهیم حالا مواد دیگری هم باز هست ملاحظه بفرمائید بیست و یکم سی و سوم و سی و چهارم که اگر باز زیاد تر بگویم باعث تصدیق آقایان خواهد شد

**محمد هاشم میرزا** - خیر بفرمائید چون بعد باید جواب بدهم

**فتح الدوله** - خودتان قانون اساسی را بگردید اصول ذیل را ملاحظه فرمائید اصل ۲۱ و ۲۳ و ۲۴ و ۱۶ و ۱۷ و ۴۷ تقریباً هفت هشت ماده در قانون اساسی است که قید میکند نسخ و اصلاح و وضع کلیه قوانین بمجلس شورای ملی است و پس از موشح شدن بصحه همایونی باید بموقع اجرا گذارده شود و منتهی تصویب کمیسیون کافی نیست اگر ما معتقد باشیم که یک کمیسیون پنج شش نفری بنشیند و قانون بگذراند و بموقع اجرا گذارده شود و محتاج بآمدن در مجلس نباشد دیگر مجلس شورای ملی فلسفه ندارد در هر وزارتخانه ممکن است پنج شش نفر از رؤسا و اعضای درجه اول ورود و بنشینند و قانونی وضع کنند و بموقع اجرا گذارند در اینصورت ما مجلس لازم نداریم بالاخره بنظر بنده باید تمام قوانین بمجلس بیایند از نظر تمام نمایندگان بگذرد تا صورت قانونی پیدا کند و بنده تصور می کنم که نمیتوانیم این حق را بکمیسیون بدهیم این حق اختصاصی مجلس است و قوانین شرعی هم بعضی حقوق اختصاصی هست مثلاً حق قضاوت اختصاص بشخص قاضی دارد و نمیتواند این حق را بدیگری واگذار کند یا فرضا حق انتخاب که باید تفرقه گیرنده شهما برود تفرقه را بگیرد پس از نوشتن اسم مستحب شعاع برود در صندوق بیندازد و نمیتواند این حق را به دیگری بدهد ولو اینکه برادرش هم باشد و در شرح هم حقوق اختصاصی خیلی است

**آقا میرزا هاشم آشتیانی** تمام عبارات همین طور است **فتح الدوله** - بل بفرمائید آقا عبارات همین طور است مثلاً حقوقی که زوج و زوجه نسبت به یکدیگر دارند نمیتواند بدیگری واگذار کنند فرض این است که در شرح هم حقوق اختصاصی هست مجلس سه وظیفه اختصاصی دارد یکی حق قانونگذاری

است که حق مجلس است و نمیتواند این حق را بکمیسیون واگذار کند و یکی بودجه بودجه مملکتی است که در باب بودجه هم سهل انگاری نکردیم و آنطور گذشت اگر قانون گذاری با کمیسیون باشد پس وظیفه مجلس چیست ؟ همین طور بودجه مملکتی هم بایستی در مجلس مطرح شود و اگر غیر از این باشد مجلس فلسفه ندارد آقای وزیر عدلیه در مقدمه مرقوم فرموده اند لایحه قانونی بمجلس پیشنهاد میشود و بنظر بنده هم لایحه قانونی است زیرا لایحه قانونی دارای مقدمه ای است که حاوی دلایل باشد این لایحه هم دارای مقدمه هم دارای مواد است پس باید قبلاً بکمیسیون مربوط که کمیسیون عدلیه است برود در آنجا مطالعاتی کند بعد بمجلس آمده مطرح شود اگر اجازه فرمائید ماده سی و ام قانون اساسی را بفرمائید چیزی نیست

**فتح الدوله** - ببخشید اشتباه کردم در نظامنامه داخلی است

اصل سی و ام لایحه مذکوره که طبع و توزیع خواهد شد باید دارای مقدمه باشد که مضمون دلایل آن است لایحه بتوسط رئیس مجلس بصحه ها یا چنانکه در ماده ۲۳ ذکر شده به کمیسیون مربوط فرستاده می شود که پس از رأی بورت آن کمیسیون لایحه قانونی در مجلس مطرح شود بنده با این دلایلی که عرض کردم شایسته نمیدانم که قوانین پیشنهادی وزارت عدلیه از مجلس بگذرد چون برخلاف صریح ماده قانون اساسی است و باید در مجلس شورای ملی بیاورند و پس از تصویب مجلس بموقع اجرا گذارده شود و چنانچه در مواقع اجراء نواقصی در آنها دیده شده آن نواقص را نوشته با ذکر دلایل بمجلس بیاورند تا رفع آن نواقص شود پس ما نمیتوانم حقوق اختصاصی خودمان را بکمیسیون واگذار کنیم همانطور که آقای حائری زاده فرمودند ما وکیل در توکیل نیستیم و به مقیده بنده تمام قوانین باید بمجلس بیایند و از نظر نمایندگان بگذرد تا صورت قانونیت پیدا کند

**رئیس** - آقای حاج شیخ اسد الله ( اجازه )

**حاج شیخ اسد الله** - بنده قبلاً نسبت باین قسمت از فرمایش نماینده محترم می خواهم تنقید کنم فرمودند اوقات نمایندگان به بیکاری و تعطیل میگردد اگر آقای فتح الدوله بیکار هستند بنده نمیدانم ولی بنده باندازه اوقات مستغرق است که بسریرستی من که تکفل آنها را خداوند بهم محول فرموده نمیرسم در کمیسیونها صبح تا عصر مشغولیم هفته ۲۲ روز در کمیسیون بودجه جلسات داریم هفته دو سه روز هم در فرا کمیسیونها هستم که قبل از این که مطالب در مجلس مطرح شود در آنجا تبادل افکار بکنیم آقا بیکار باشند بنده نمیدانم تصور نمی کنم هیچکس نمایندگان منکر باشند که وضع قوانین از الزام لایحه است و ما امروز نمیتوانیم بگوئیم که مملکت

قانون لازم ندارد مخصوصاً عدلیه که محل رسیدگی امور داخلی و خارجی است ممکن است کسی مثل آقای حائری زاده در نظر داشته باشد که قاعده عدلیه و قوانین آن لازم نیست و باید ملغی گردد و چند ماده قانون نوشته شود که اصول مکاتبات بطور حکمیت قطع و فصل شود این يك امری است که اگر موفق شوند و در مملکت مجری شود و سایر مللی که در اینجا اقامت دارند تصدیق کنند خیلی خوب است زیرا اصول حکمیت خیلی سهل و ساده است

**شیخ الاسلام اصفهانی** - قوانین ما را که دیگران نباید بنویسند

**آقا میرزا هاشم آشتیانی** - حکمیت یکی از قوانین ما است

**آقا شیخ اسد الله** - بطور کلی قوانین ما الزام بحکمیت نیست قانون شرع ما اینطور است ( اگر غیر از این است و آقایان اطلاع دارند بفرمائید که حکمیت با اختیارات در موارد معینی اگر طرفین راضی شوند ولی در هر صورت بنده داخل آن مرحله نمیشوم و بقیه عرایض خود را عرض می کنم آقایان فتح الدوله فرمودند که این مسئله برخلاف قانون اساسی است از اول تا آخر مواد قانون اساسی و نظامنامه را خوانند خلاصه فرمایش ایشان این بود که باید قوانین از تصویب مجلس بگذرد بنده تصور می کنم اگر مجلس رأی بدهد که قانون در کمیسیون تصویب و بموقع اجرا گذارده شود خود این رأی مجلس رأی قانونی است نظامنامه و قانون اساسی و کلاً را در وضع قوانین محدود نکرده است ممکن است قوانین را در مجلس بیاورند و بطور کلی یا ماده یا ماده رأی بدهند تصور نمی کنم هیچکس از اصول قانون اساسی ما را در این نظریه محدود کرده باشد و آن قسمت هم که فرمودند وکیل در توکیل نیستیم بمقیده بنده این حرف ایشان در اینجا عنوان ندارد زیرا خود مجلس رأی می دهد که فلان قانون از کمیسیون بگذرد و بموقع اجرا گذارده شود نه اینکه يك نماینده دیگری وکالت بدهد که تو از طرف من رأی بده این حکایت وکالت در توکیل نیست البته اگر ما حق نداشته باشیم بکمیسیون عدلیه اجازه نمیکرد و تقاضا نمیکرد که کمیسیون عدلیه قوانین را در تحت نظر قرار دهد

قسمت دیگر از اعتراضات که اساسی است بنظر بنده فقط نگرانی است که آقای شیخ الاسلام دارند که ممکن است قوانین در کمیسیون برود و در آنجا مسامحه و غفلت شود و مناسب با مقتضیات مملکت و مذهب مملکت با مناسب اخلاق ما بگذرد و بیشتر نگرانی آقای شیخ الاسلام هم از این بود که شاید دولت قانون جزای عرفی را بکمیسیون ببرد و بقبولاند و کمیسیون هم رأی بدهد آنوقت این قانون از قوانین موضوعه مملکتی بشود البته بنده هم این مطلب را تصدیق میکنم که

قوه قضائیه مملکت باید مطابق قوانین مذهبی باشد و جنبه روحانیت دارد و خیلی هم با اهمیت است و تصور نمیکنم دیگران هم غیر از این عقیده داشته باشند اما نسبت بترتیبات و تشکیلات و تنظیفات و بعضی از جزئیاتی که امروزه در دنیا معمول است باید مطابق قوانین ملل متقدمه آنها را در نظر بگیریم و راجع باصول تشکیلات است ربطی باصل قضاوت و دیانت ندارد و باید این مراحل و موارد را از یکدیگر تفکیک کنیم و يك قسمت عمده مکاتبات که در سابق مجلس تصویب کرده است گمان می کنم مطابق اصول مذهبی باشد و اما این ترتیبات وزارت عدلیه که دو سه نفر عضو بنشینند و رأی بدهند و مدعی و مدعی علیه حضور بنشینند تصور نمیکنم مخالفی با قوانین مذهبی داشته باشد زیرا اهمیتی ندارد که محکمه بطور تشکیل شود و ترتیب اعضاء و جریان محاکمه و دادن رأی بچه طریق باشد

اما راجع باصل مطلب که قضاوت باشد قانون مذهبی ما قانون فاطمی است و قضا و شهادت و اصول معاملات و غیره که شارع بما دستور داده جامع و کلی و بهترین قوانین دنیا است و اگر مطابق ترتیب امروزه ماده ماده نوشته شود بمقیده بنده نقص در آن نیست و در عدلیه هم امروزه قانون مذهبی معمول است و از همین نقطه نظر وقتی که در کمیسیون بودجه راجع ببودجه مدرسه حقوق که در تشکیلات عدلیه است مذاکره بود ( چون میگفتند شبهه امین اروپائی در آنجا تدریس میکنند و يك عمده شاگرد هم آنجا میروند و می خواهند آن را رسمیت بدهند و بگویند این مدرسه حقوق است ) بنده گفتم که این را عقیده ندارم زیرا مدرسه حقوق که در این مملکت باید معمول باشد نظامنامه او باید نوشته شود و باید در روی اصول قضا و شهادت و قوانین مذهبی باشد اگر چه شاگردان مدرسه حقوق باید قوانین سایر دول را نیز تحصیل کنند و اطلاعات و بصیرت داشته باشد ولی چیزیکه می تواند مستند رأی محکمه باشد در مملکت ایران قانون مذهبی ما است که هیچ نقیصی در آن نیست و بنده بیشتر بآن اهمیت میدهم و مدرسه حقوقی هم که بعد از این تاسیس خواهد شد باید این مطلب را بیشتر در آنجا اهمیت بدهند و از این نقطه نظر است که بنده عرض می کنم شاگردها که امروز در این مدرسه حقوق قلمی ( حالا بمدرسه سیاسی کاری ندارم بجهت اینکه خارج از موضوع است و قانون اصول مکاتبات عدلیه هم آنهارا مستثنی نکرده است و باید شاگردان آنها امتحان بدهند ) مشغول تحصیل میباشند مطابق قانون اگر بتوانند داخل عدلیه شوند آنها هم بمقیده بنده باید امتحان بدهند زیرا آن مدرسه حقوقی که قانون گذار در نظر داشته است مطابق نظامنامه دیگری خواهد بود و غیر از این مدرسه امروزه است و آن نظامنامه هنوز نوشته نشده است البته شاگردیکه از آن مدرسه بیرون میاید محتاج بامتحان نیست و به عدلیه باید وارد شود حالا این مسئله خارج از موضوع

مفاکرات است اما راجع باین اعلانی که وزارت عدلیه در خصوص امتحان مستخدمین کرده است و يك عمده شکایت دارند و نمیخواهند شاگردان مدرسه سیاسی را از امتحان استثناء کنند و وزارت عدلیه هم استثنائی قرار نداده بنده تصدیق دارم که تحصیلات مدرسه سیاسی خیلی خوب است ولی تحصیلاتی که نموده اند رویه دیگری است این مدرسه اساساً برای وزارت خارجه تعیین داده شده و شاگردانش برای آنجا تحصیل می کنند مناسبی با عدلیه ندارد از این مطلب هم بگذریم اما ( که ممکن است بعضی از آقایان در این قسمت باینده موافق نباشند ) که اگر مجلس تصویب کنند قوانینی که به کمیسیون عدلیه میبرود بموقع اجرا گذارده شود يك کار بزرگ و سنگینی است برای کمیسیون عدلیه ( هم چنانکه بعضی از آقایان نگران هستند ) و بایشان هم حق میدهم که شاید اعضاء کمیسیون غفلت کنند نظر باین مطلب پیشنهادی شده است و خود بنده هم آنرا امضاء کرده ام که اگر مجلس موافقت کند در آن موقع کمیسیون عدلیه از اعضاء بصیر مجلس هم چنین از اشخاص بصیر که در خارج از مجلس هستند تشکیل شود و هر قانونی که میاید بمناسبت تحصیل هر کس نسبت بآن قانون در کمیسیون عدلیه دعوت شوند و بمشارکت نظریات آن اشخاص بصیر در داخل و خارج مجلس این قوانین در آن تصحیح و تصویب شود اگر هر آینه این اجازه را این مجلس بکمیسیون بدهد بنده که عضو کمیسیون هستم ممکن است باز این مشغولیت و زحمت را قبول کنم و اگر مجلس این اجازه را دهد و بگوید خارج از قانون است و ممکن هست اشخاص خارجی دعوت شوند و غیر از اعضاء کمیسیون عدلیه اعضاء سایر کمیسیونها نمیتوانند مشارکت در مشاوره بکنند بنده که یک نفر عضو کمیسیون هستم وقتی دیدم از همه اتمام این وظیفه بر نمیایم استعفا از ام داد که بجای من دیگری انتخاب شود این است که بنده از مخالفت هائی که نسبت باین پیشنهاد وزارت عدلیه شده بیشتر از همه نگرانی آقای شیخ الاسلام را محل توجه قرار میدهم اگر این قضیه راجع کردند و آقایان اطینان کامل بکمیسیون پیدا کردند و ثابت شد که حق دارند چون اطینان کامل ندارند و مطلب هم اساسی است نمی توانند رأی بدهند باقی اظهارات دیگر را بنده اساسی نمی بینم و این پیشنهاد وزارت عدلیه را هم هیچ مخالف قانون نمی دانم اگر آن سوعظن مرتفع شود بنده بهترین اقسام اصلاح قوانین عدلیه را اینطور می دانم که بکمیسیون رجوع شود و در کمیسیون هر اصلاحی لازم است بعمل میاید و بنده هم در ضمن عمل نواقص آنرا وزارت پیشنهاد کنند زیرا اگر قوه قضائیه اصلاح شود بمقیده بنده قسمت عمده اصلاحات مملکتی هم در دست او آن اصلاح خواهد شد

ولی اگر آقایان بخواهند که قوانین عدلیه بمجلس بیاید و در هر يك از مواد آن دو ماه سه ماه مذاکره شود يك مخالف هائی نسبت بآن قوانین خواهد شد که بکلی آنرا فلج خواهد کرد و اول روز بدبختی مملکت است

**رئیس** - آقایان محمد هاشم میرزا و تدین و مستشار السلطنه موافق هستید آقای تنکابنی موافقت یا مخالف ؟

**آقا میرزا ظاهر تنکابنی** - موافقم  
**رئیس** - آقای حاج میرزا مرتضی چطور  
**حاج میرزا مرتضی** - مخالف  
**رئیس** - بفرمائید

**حاج میرزا مرتضی** - البته آقایان تصدیق میفرمائید که هر امری بفرموده دفاع يك نفر اداره شود به خط و خطا نزدیک تر است تا بفرموده دفاع ده نفر امر فیصله یابد و هم چنین اگر بفرموده نفر کساری اداره شود بقیط و خطا نزدیک تر است تا بفرموده هفتاد نفر شرکت داشته باشد و تبادل افکار شود بنده تصور می کنم این قوانین که آقایان تصدیق

وزیر میخوانند بکمیسیون ببرند و در آنجا مطرح مذاکره شود و بعد بموقع اجرا بگذارند البته اگر بمجلس بیاورند و در اینجا مطرح شود از هر حیث معایب و معاسن او بیشتر معلوم خواهد شد زیرا در مجلس تمام نمایندگان مشارکت پیدا میکنند و تبادل افکار مینمایند و البته اگر نقص و عیبی داشته باشد رفع میشود و محسنات او زیاده تر است خصوصاً قوانین قضائی که برای حفظ جان و مال مردم وضع شده است .

اینها يك قوانینی نیست که به رای و فکر ده دوازده نفر اعضاء کمیسیون عدلیه واگذار کنیم که يك چنین قوانینی برای پنجاه کرور ملت وضع کنند و اگر درست فکر کنیم فلسفه تشکیل مجلس و ایجاد مشروطیت برای همین قضایا بوده است که کار های مملکت بواسطه فکر يك شخص اداره نشود و يك جمعیتی در آن شرکت داشته باشد تا اینکه از خبط و خطا دورتر و بسلاح و صواب نزدیکتر باشد بنده تصور میکنم اگر چنانچه این قوانین همین طور که بعضی از آقایان فرمودند بمجلس بیاید از همه حیث بهتر است .

بنده و همه آقایان هر کدام نظریاتی داریم اظهار میکنیم و بنده تصور میکنم اگر ممکن باشد مجلس اجازه بدهد که بطور غیر رسمی نظریات اعضاء خارجی که در این کار متفحص هستند جلب شود بصالح و صواب نزدیکتر است بواسطه آنکه در این قوانین که برای مملکت وضع می شود هر قدر نظریات اشخاص بیشتر دخالت داشته باشد البته بهتر و اولی خواهد بود و البته نظریات يك جمعیت کمتر بقیط خواهد رفت ولی ممکن است يك جمعیت ده دوازده نفری در خیلی از مسائل خبط یا اشتباه کنند و همین سبب میشود که این قوانین نقص پیدا کند و مجبور شوند

که در مرتبه مجلس پیشنهاد کنند اگر بفرمائید آوردن بمجلس اسباب مصلی گذشتن قوانین می شود عرض میکنم این يك دلیل مهمی نمی شود برای اینکه بمجلس را مجبور کنند که رای بدهد حفظ قوانین در کمیسیون مطرح شود .

زیرا الان دوازده سال است باین قوانینی که بمجلس نیامده عمل میکنند اغلب این قوانین هم که بمجلس نیامده در صورتیکه اگر بمجلس آمده بود خیلی از معایب این قانون که بالفعل در دست است رفع شده بود منتهی شش هفت ماه طول میکشید حالیه هم ممکن است آقای وزیر عدلیه این قوانینی را که میخواهند جلوتر بیاورند .

از مجلس بگذارند بعد بموقع اجرا بگذارند ولی اگر این قوانین فقط از کمیسیون بگذرد بموقع اجرا بگذارند شاید اسباب ضرر و خسارت کلی مردم بشود و بنده بمنظر خودشان و دیگران خوب نیاید و مجبور شوند آنرا نقض کنند و قوانین دیگری به مجلس بیاورند .

بنابراین بنده عقیده دارم که بکمیسیون برود و از کمیسیون بمجلس بیاید و تمام نمایندگان در آن شرکت پیدا کنند و همانطور که سایر قوانین میگردد این قانون هم بگذرد و معایب آن رفع بشود آنوقت بموقع اجرا بگذارند که دیگر محتاج بالتاء و نقص و غیر ذلک نشوند .

**رئیس** - آقای سلیمان میرزا ( اجازه )

**سلیمان میرزا** - این پیشنهادی که آقای وزیر عدلیه کرده اند بنظر بنده چیز تازه نیست همان طوریکه مکرر گفته شده این مطلب در مجلس سابقه دارد و مقداری هم در جلسه گذشته صحبت شد و اگر اجازه بفرمائید بنده امروز از آخر شروع میکنم آقای حاج میرزا مرتضی فرمودند این مسئله محقق و مسلم است اگر کارها بفرموده بگذرد به خط و خطا نزدیکتر است و اگر بفرموده نفر می گذرد از خبط و خطا مصون تر است اول ده نفر فرمودند بعد هفتاد نفر .

بنده خیلی خوشوقت شدم که بالاتر نرفتمند و الا فرزانم میشد و شامل تمام اهالی کره ارض میشد پس باین فایده اگر طبیعتاً تمام اهالی کره ارض بشنهند و در مطلبی رای بدهند لابد از خطا مصون تر خواهد بود .

حالا از این خصوصیت میگفتم که اگر يك نفر باشد بیشتر احتمال خطا می رود تا هفتاد نفر اما در همین زمینه عرض می کنم آیا در نظر گرفته اند که در عده زیاد چه مقدار کار دیرتر می گذرد وقتی عده زیاده تر شد هر کدام میخواهیم يك حرفی بزنیم آنوقت در هر جلسه یکی دوفت صحبت خواهند کرد و هر ماده دوسه ماه طول خواهد کشید بهمین جهت در دوره دوم مجلس رای داد که این مسئله بکمیسیون عدلیه برود گویا قریب یکماه فقط در ماده اول قانون

عدلیه در معنی محاکم عمومی و خصوصی صحبت میکردند آخر الامر دیدند در مجلس هفتاد نفره این قانون بزودی نیکگذرد .

زیرا در مجلس عمومی هر کس از يك نقطه نظر حرف میزند باین جهت این حق را بکمیسیون عدلیه دادند که يك عده اشخاص متخصص هم در آنجا بودند و در آن دوره دوفت از اشخاص طراز اول یکی آقای مدرس و یکی آقای حاج امام جمعه خوئی در اصلاح این قانون شرکت داشتند و با نظریات وزیر آن قوانین را اصلاح کردند و موقتاً بموقع اجرا گذارند .

حالا اینجا مکرر گفته میشود که دوازده سال است این قوانین مجری بوده و به مجلس نیامده بنده هم تصدیق دارم مطابق تاریخ دوازده سال است گذشته ولی بفرمائید در عرض این مدت چند وقت بوده است تصدی بسیار خوب چیزی است و بنده بایشان موافقم و آرزو مندم که قوانین بطور تساهلی در باره غنی و فقیر مجری شود اما به بنیم برای اینکه قوانین بطور تساهلی در باره فقیر و غنی و تمام مردم اجرا شود آیا

این پیشنهاد هیچ دست کسیرا نمی بندد و نمیبوسد آن قوانینی که سابقاً از کمیسیون گذشته وزیر بمجلس بیاورد که از نظر نمایندگان بگذرد و این دو ماده که در این پیشنهاد نوشته شده ابتدا چنین خبری را ندارد .

در ماده دوم می نویسد ( که این اجازه شامل قوانینی است که از تاریخ تصویب این لایحه تا ۶ ماه از طرف وزیر عدلیه بمجلس شورای ملی پیشنهاد میشود ) کجا این ماده مانع مقصود میشود

البته آن قوانین که در دوره دوم و سوم کمیسیون عدلیه تصویب کرده و بعد عدلیه هم رفیه و عملیاتی در آن شده وزیر عدلیه یار رئیس الوزرا می توانند آن قوانین را بمجلس پیشنهاد بکنند و نظریات خودشان را هم ضمیمه نموده بفرمائید .

در ضمن عمل این اصلاحات حاصل شده است از این گذشته ما که يك اختیاراتی بوزیر عدلیه نمی دهیم ما بيك عده از و کلا اجازه می دهیم که در قوانین نظر بکنند قوانین قضائیه آن را با موازین شرعیه و قوانین اداری آنرا با موازین اداری تطبیق کنند و اگر نواقصی داشت اصلاح بکنند و بعد بموقع عمل بگذارند در ضمن عمل هم کاملاً نواقص آن معلوم گردیده پس از آن بمجلس بیاید و از نظر نمایندگان بگذرد این و کالت در توکیل نیست اگر این مسئله را و کالت در توکیل فرض بفرمائید ارجاعات بتمام کمیسیونهای مجلس هم باید هم منظور باشد و گفته شود و کالت در توکیل است مگر اینجا نوشته شده است که بمجلس برنگردد البته باید بمجلس برنگردد .

**شیخ الاسلام اصفهانی** - قبل از اجرا باید بیاید بمجلس .

**سلیمان میرزا** - نهایت يك مدت محدودی از برایش معین میشود مگر باید حتماً شش ماه طول بکشد بعضی قوانین هست که باید در ظرف پنج هفته رایزرت آنها بمجلس بیاید مثلا اگر يك قانونی را

دری تشکیل مجلس دادیم بکمیسیون عدلیه یا مالیه و تاخر آن دوره آن قانون بمجلس نرسید باید فها علتش چیست .

بنده علتش را میدانم چنانچه قانون منع احتکار در دوره دوم پیشنهاد شد و رفت بکمیسیون و دوره دوم نشد و قانون از کمیسیون بیرون نیامد بالاخره ما میخواهیم که این قانون پس از تصویب کمیسیون بقیع اجرا بیاید یعنی من حبس المجمعوه می خواهم زری بکنیم که این قانون رسمیت پیدا کند و آن قوانینی را که در قانون اساسی خوانند البته صحیح است . قانون وقتی رسمیت پیدا می کند که از مجلس بگذرد ولی ماصحه بعمل آنها میگذازم و امضاء میکنیم که پس از تصویب کمیسیون بموقع اجرا گذارده شود آقای حائری زاده در مذاکرات قبل خودشان فرمودند ( برای تساهلی در اجرای قوانین ) تصدی بسیار خوب چیزی است و بنده بایشان موافقم و آرزو مندم که قوانین بطور تساهلی در باره غنی و فقیر مجری شود اما به بنیم برای اینکه قوانین بطور تساهلی در باره فقیر و غنی و تمام مردم اجرا شود آیا وضع این قانون لازم نیست ؟ منتها مقصود ما همین است که میخواهیم تسریع کنیم که قوانین عدلیه وضع فرد و غنی و فقیر در آنجا معا کما می شوند فقط اشکالی در این است که معاکمات عدلیه مجانی نیست اگر بید کی عدلیه را مجانی معمول میکنند یعنی قوانین بيك ترتیبی نوشته میشود که حقوق و پول هیچ بود قرا دسترس داشتند و بواسطه نداشتن پول احقاق حقوق آنها عقب نمی افتاد این يك مسئله است که همیشه مرا متفکر و متأثر می کند که فقیر بیچاره بی چیزی وقتی از دست يك غنی هاروش میشوند اگر فرضاً استیفاء باشد باید قبلاً وجهی تودیع کنند و امانت بگذارند تا مرض آن رسیدگی کنند آن فقیر بیچاره آن و دیه را از کجا بیاورد ؟

البته چون پول و دیه ندارد احقاق حق از او نخواهد شد و همچنین آقای حائری زاده در جلسه قبل فرمودند ( عادت سابقه این مملکت ) اگر بنده اشتباه کرده باشم چون مال جلسه قبل است شاید بنده مراد ایشان را بد فهمیده ام لیکن عادات سابقه مملکت خیلی بد بوده است و بنده هیچ آرزو ندارم که آن ترتیب سابق یعنی نایب هادی خان و آن مجلس های حاکم و فراش باشی و همان چوب و چماق در کار باند نقل میکنند وقتی که حکام خیلی مقدس بودند حکم میکردند .

آن محکوم علیه را چوب میزدند و حاکم خودش مشول نماز میشد آنوقت آن بیچاره زیر چوب نرم میند و چون آقا نماز می خوانند خیلی هم نماز را طول میدادند دیگر کسی نمیتوانست شفاعت یا حمایت کند و اگر مقصود از آن عادات سابقه رجوع بقرائین ماهی است همانطور که آقای حاج شیخ اسدالله فرمودند ما هیچکدام حق مذاکره در آن نداریم آنما و صدقنا اما هیچ صحبتش در اینجا نیست که آقای وزیر عدلیه قوانین مذهبی پیشنهاد کنند و اگر نظر آقایان به

قانون جزای عرفی است آنرا هم آقای رئیس الوزرا فرمودند که فعلاً بماند پس در اینصورت اگر فرض بفرمائید که يك قانون ثبت اسنادی که آلان در دست هست بیاورند و نوشته باشند برای آنکه اسناد مجموع نباشد در فلان جا ثبت کنند از جهات اینکه هر روز کار کاغذ سازی نشود هیچ مخالفی با قانون شرع ندارد و می خواهند يك ترتیبی بکنند که اسناد مجموع پیدا نشود و باز در ضمن صحبتها گفته شده است تضييع حقوق عامه را بدست خودتان کرده ایم بنده بعکس می بینم که اگر ما گذرانند قوانین عدلیه را باین قسم تصویب بکنیم آنوقت می توانیم بگوئیم تضييع حقوق عامه را بدست خودمان کرده ایم

وقتی که قوانین مدون و حاضر شد ما می توانیم حقوق عامه را بدست خودمان حفظ کنیم مثلا اگر فقیری از وزیري شکایت کند چون قانون محاکمات وزراء نوشته نشده است یا فرضاً يك قانون مخصوص بعد بیاید بمجلس و در هر ماده آن شش ماه حرف بزنیم این فقیر بیچاره آیا حقوقش تضييع نشده است ؟ و اگر اجازه بدهیم که قانون محاکمه وزراء هم بایکی از آن لوایح بیاید بمجلس برود به کمیسیون و زود بگذرد و اجرا شود که این بدبخت مردم از هر يك از وزراء شکایت دارند می توانند محاکمه تمیز برونند و شکایت کنند و تلفت مصونیت کده مطلق نباشد آیا تسریع کردن در وضع این قانون تضييع حقوق عامه است ؟ یا عقب افتادن آن تضييع حقوق عامه است بنده عرض میکنم که ما هر قدر در این باب عجله کنیم بیشتر حفظ حقوق عامه را کرده ایم اما نباید قانون را طوری نوشت که همیشه سرمایه داران از آن استفاده کنند و بی چیزها محکوم و یا بواسطه نداشتن پول موقع محاکمه شان بگذرد بقیعده من باید سعی کردتا قوانین بیینی نوشته شود که عدلیه مجانی باشد و فقیر و بی چیز بواسطه نداشتن پول از درج محاکمه برنگردد سرمایه داری بي قدرتی نشود تا سفاهت در مملکت ماهر وقت کسی شخصی را میزند یا ظلمی میکند آن ظالم میگوید می توانی بعد عدلیه برو و شکایت بکن یعنی وقتی که بعد عدلیه رفتی و هاروش شدی مخارج و کهل و بدایت و استیفاء و تمیز آنقدر تورا خورد خواهند کرد که علاوه بر ضررهائی دیگر يك مقداری وقت خود را هم که در این مملکت متأسفانه کمتر بآن اهمیت میدهند ( تلف کرده و خسارت زیادی بتو وارد میآورند و بالاخره معلوم نیست که اگر حکمی هم صادر کنی بموقع اجرا بیاید یا اجراء شود در هر حال چون خود بنده طرفدار این هستم که باید در این امر تسریع کرد شاید خود زیاد گوئی هم اسباب تعطیلی بشود بیش از این عرض نمیکنم که وقت مجلس را تلف کرده باشم و خانته عرض میکنم که آقایان بنا بفرمائید که فرمودند کمیسیون عدلیه مدتش کم است و مطابق فلسفه که فرمودند باید مدتش را زیاد کنند حالا اگر هشت نفر است شانزده نفر بشود و آقای رئیس الوزرا هم آنروز یادآوری فرمودند

**رئیس** - مجلس مذاکرات را کافی نمیداند ( گفته شد کافی است )  
**رئیس** - رای میکنیم  
**حائری زاده** - بنده اجازه میخواهم که جواب آقای حاج شیخ اسدالله را بدهم  
**مدرس** - بنده هم اجازه خواسته بودم  
**رئیس** - ده یا زده نفر اجازه خواسته اند که مذاکره کنند رای میکنیم آقایانی که مذاکرات را کافی میدانند قیام نمایند ( اکثر قیام نمودند )  
**رئیس** - معلوم است کافی است اشخاصی که میخواهند مذاکرات کنند در ضمن طرح ماده اول میتوانند مطالب خود را اظهار کنند چون اساس این لایحه در ماده اول است ( آقای تدین ماده اول را بمضمون ذیل قرائت نمودند )  
ماده ۱ - بوزیر عدلیه اجازه داده میشود که کلیه قوانینی را که بمجلس شورای ملی پیشنهاد

که اگر ممکن است عده زیاد تر شود و این امر دست خودمان است پیشنهاد میکنم که کمیسیون عدلیه بعد از این شانزده نفر عضو داشته باشد و هشت نفر دیگر هم برای آن انتخاب کنند اما همه ماها که اینجا نشسته ایم از قوانین قضائی مطلع نیستیم مثل اینکه همه ما از قوانین مالیه مطلع نیستیم فرض بفرمائید وقتی هشت نفر بکمیسیون عدلیه بیفزایند آن هشت نفر در حقیقت مظهر افکار و عقاید تمام حاضرین آنجا خواهند بود ولی این رای که ما میدهیم مخالف قانون اساسی نخواهد بود زیرا ما هیچکدام به آنها حق نداریم که تو عوض من خودت رای بده بنده اگر آقای تنکابنی را انتخاب کنم هیچ بایشان حق نمی دم که رای هم عوض بنده بدهند تا آنکه گفته شود ما کیل در توکیل نیستیم ایشان رای خودشان را میدهند و بعد از آنکه لایحه بمجلس آمد بنده هم رای خود را میدهم و برای گرفتن نتیجه باید جمع بین کارها کرد از يك طرف اجازه میدهیم که کمیسیون آن لوایح را در تحت نظر قرار دهد و از طرف دیگر آنرا رای می که دوازده سال است در موقع عمل بوده می آورند بمجلس و مجلس در آن رای بدهد که هر دو کار را کرده باشم در اینصورت ما بتوانیم زودتر يك عدلیه مرتب و منظمی داشته باشیم زیرا همان طور که آقایان فرمودند اساس مشروطیت پایه اولش حفظ حقوق عامه است و آنهم معاکمات عدلیه است پس اگر ما میخواهیم اولین پایه آزادی خودمان را محکم بکنیم باید يك عدلیه مرتب و منظمی داشته باشیم حالا حفظ حقوق شخصی باشد یا حفظ حقوق عمومی که بتوسط مدعی العموم میشود ولی اصل و عمده حفظ حقوق تأسیس مدرسه حقوق است تا مدرسه نباشد که حق فقدان تربیت کنند چطور میتواند کسی حفظ حقوق خود را بکند در حال ما می توانیم زودتر حقوق عامه را که در نظر داریم حفظ کنیم و پس از وضع قوانین حقاً و عملاً محفوظ می ماند .

مینمانند بعد از تصویب کمیسیون عدلیه مجلس شورای ملی موقتاً بوقوع اجرا گذارده و پس از آزمایش آنها درعمل و تکمیل نواقص ثانیاً برای تصویب بمجلس شورایملی پیشنهاد نماید

**رئیس** - آقای آشتیانی مخالفند  
**آشتیانی** - بنده يك سؤالی دارم  
**رئیس** - آقای حائری زاده (اجازه)

**حائری زاده** - بنده تصمیم داشتم که در این جلسه راجع باین پیشنهاد عرضی نکنم زیرا که میدانستم اکثریت مجلس بلکه قریب با اتفاق این لایحه را خواهد گذراند و مطالب من بی نتیجه است ولی چون آقای حاج شیخ اسدالله بنده حمله کردند بنده مجبورم توضیح بدهم که مطلب روشن باشد بنده اصلاً متکرر اساس عدلیه نیستم در قانون اساسی اصول عدلیه را دو قسمت کرده است يك قسمت راجع بشرعیات يك قسمت راجع بفرعیات قسمت شرعیات راجع بحکام شرع میشود و قسمت فرعیات رجوع بعناکم عدلیه میشود نظر من آن بود که فرعیات که حکام شرع دخالت در آن نمی کنند با اصول حکمیت تمام شود چون ملت ایران از قدیم تا بحال معتاد بوده اند که فضا را بواسطه اجتماع چند نفر میگذرانند مانند بنده گفتیم این را بصورت اداری بیرون بیاورید و چند ماده برای آن بنویسید تا این اندازه حقوق مردم پایمال نشود و اما راجع باین پیشنهاد بنده عرض می کنم هر قانونی که بمجلس آمده بآن رای داده شد البته بوقوع اجرا گذارده میشود اما قانونی که هنوز بمجلس نیامده و دیده نشده بطور میشود رای داد که بوقوع اجراء گذاشته شود آقای حاجی شیخ اسدالله فرمودند که (بکلی قانون رای میدهند و در ماده باده رای لازم نیست بدهند) يك قانون خیالی را که وزیر بعد بنویسند و بمجلس پیشنهاد بکنند و مجلس بفرستند بکمیسیون ما بکلی آن قانون چگونه مساعد رای بدهیم که اجرا کنند يك جمله دیگری که بنده سابقاً عرض کردم راجع بجریان معاکمه بوده است چون این قسم معاکمات در عدلیه مرسوم است اتخاذ از اصول معاکمات اروپا شده و برای حفظ سرمایه داری این قبیل معاکمات مفید است يك معاکمه ممکن است چندین سال طول نکشد و از صلحیه به بدایت از بدایت باسنتیاف و تمیز و غیره رجوع شود البته فقیر نمی تواند حق الوکاله و حق تمیز و عشریه و دیه وغیر ذلک را بپردازد این اصول برای سرمایه داری خیلی مفید است ولی يك مملکتی که معتاد به قوانین اسلام بوده است و اصول سرمایه داری هم يك موضوعی نشده است که بتوان بفتح آن قانون وضع کرد بطور میشود این قوانین را مجری کرد و قانون اسلام مساوات حقیقی را مراعات کرده و هیچ ملاحظه غنی و فقیر را نکرده است و در معاکمات هم حقوقی معین ننموده و احاله باسنتیاف و تمیز و غیر ذلک را هم ابدأً قرار نداده که حقوق فقرا پایمال شود و من مخالفم قوانینی را تصویب بکنیم که بالطبع يك صفوف ممتاز در مملکت تشکیل

بشود و اینکه مذاکره شد که سابقاً اجازه بکمیسیون عدلیه داده شده آقای فتح الدوله مخالفت این اجازه را با بعضی مواد قرائت فرمودند ولی دو ماده دیگر قانون اساسی تصریح دارد که تادر جلسه علنی مسئله مطرح نشده باشد قابل اجرائیست یکی اصل سیزده و دیگری اصل سی و چهار در اصل سیزده مخصوصاً مینویسد مذاکرات مجلس شورای ملی از برای آنکه نتیجه آن بوقوع اجرا تواند گذارده تواند شد باید علنی بسازند و روز نامه نویسی تماشای غیره باشد اصل ۴۴ تقریباً همین موضوع را اشاره میکند که اگر رئیس مجلس یا وزیر یا غیره تقاضای مجلس مجرمانه یا بکمیسیون کردند آن مسئله در مجلس مجرمانه وقتی رسمیت دارد که سرجمع از نمایندگان در آن مجلس حاضر و با اکثریت رای بدهند و اینکه مقرر میشود قوانین لفظی نبوده و در این مدت شانزده سال که از عمر مشروطیت گذشته اگر حقوق عامه پایمال شده دو سال دیگر هم پایمال بشود و اگر حقوق عامه محفوظ بوده است دو سال دیگر هم محفوظ خواهد بود که مجلس دقتی و تجدید نظری در این قوانین بکنند هر قانونی حقاً یا باطلا بوقوع اجرا گذاشتن آن پیش از برای مجلس صحیح نیست و اگر خیلی اهمیت دارد بنده حقوق عامه را محترم تر از وقت مجلس میدانم ما چگونه حقوق عامه را باز بچه قرار بدهیم و قوانینی را اجرا کنیم پس از آنکه حقوق اجتماعی بواسطه این قوانین صحیح یا ناصحیح تضییع شده آنوقت ما تقنناً بنشینیم و قوانینی که عملی نشده است تصویب کنیم ما اجازه نمیدهیم که يك قوانینی را که کاملاً نسنجیده اند و در آنها دقت نکرده اند بوقوع اجرا بگذارند بعد که آن قوانین بوقوع اجرا گذاشته شده حقوق مردم تضییع شده و ما فهمیدیم که مردم مظلوم واقع شده اند آنوقت قانون را تغییر بدهیم آیا مسئول پایمال شدن حقوق مردم در این مدت کیست ؟

حضرت والا فرمودند که گذشتن قوانین عدلیه از مجلس عملی نیست من نمیدانم آیا سایر مالک دنیا قوانین آنها از مجلسشان نمیگذرد یا ما يك مردمی هستیم غیر از مردم دنیا همه جا مجلس دارند و تا قانونشان از مجلس نکند عملی نخواهد شد مجلس شورایملی ما قابل نیست که قانون از آن بگذرد یا ما هنوز قابل حکومت شورای نیستیم حضرت والا فرمودند که فلان کس راجع بامدادات قدیم ملت ایران صحبتی کردند فرمودند که عادات قدیم خیلی بد بوده است و باز روشنگری معاکمه میکردند آیا اگر در عهد استبداد يك کارهای خوبی میکردند همینکه میکنم همه معرفند که قضاوت اسلام که دوازده روز و بیست سال از آن گذشته است قضاوت بسیطه است و تازه بعضی از مالک دنیا هم فهمیده اند که قضاوت بسیطه می ماند و بتدریج همه دنیا این مطالب را خواهند فهمید لکن در قانون اساسی ما يك فرمایشی فرمودند و حق هم فرمودند فرمودند که مرجع تظلمات عمومی عدلیه است نظر به مقتضیات زمان ملاحظه کردند دیدند که هر شخصی

را میگذاریم کنار که خیلی بد بود ولی آن اصلی برای قطع و فصل دعوی بهتر از تربیت امروزه و مردم بآن ترتیب راضی تر بودند حضرت والا فرمودند عدلیه اگر مهجانی باشد خوب میشود من هم متکرر مجانی شدن آن نیستم بلکه از برای فاضی هم در حق حقی تعیین نشده که از متداعین بگیرد و باید از خزاو بیت المال مسلمین باو حقی پرداخته شود آنرا به مقدم ولی باین ترتیب باز حقوق ضعیفا پایمال می شود مثلاً فلان فقیر در کرمان مرافعه دارد رجوع به صلح آنجا کرد پول هم از او نگرفتند و او را ننگرفتند او را محکوم کردند و بنا شد استیفاف بدهد حالاً مخارج مسافرت را از کجا پیدا کند و همینطور چون قانونی نمی فهمند باید يك و کیلی برای خودش پیدا کنند شما وکیل مجانی هم برای او پیدا میکنید ؟

وکیل هم حق الوکاله میبخواهد حضرت والا اسمی از قوانین موقتی بردند اصلاً من نمی فهمم، ما قانون دائمی داریم ؟ غیر از کلیات قانون اسلام که دائمی است مابقی تمام موقتی است مثلاً قانون ثبت مناد که در دوره های پیش از مجلس هم گذشته حالاً بون آنرا نا صحیح دانستند مجدداً پیشنهاد کرده اند که اصلاح شود و همچنین قانون شورای معارف را باینکه از مجلس سابق گذرانده اند مجدداً باین مجلس پیشنهاد شد که بعضی از مواد آنرا نقض و بعضی را اصلاح کردند تمام قوانین مجلس موقتی است بنده هر نیکنم که قوانین نباید بکمیسیون برود البته معنی مجلس این است که هر قانونی که پیشنهاد میشود آن به کمیسیون مربوطه رجوع میکنند که در آنجا اصلاً شده و بعد به مجلس پیشنهاد نمایند ولی قانونی که اجرا شود مگر اینکه از مجلس علنی بگذرد اصل ۱۴ قانون اساسی ما اجازه نمیدهد که بيك کمیسیون اجازه بدهیم که قانونی را در تحت نظر آورده و بدو اینکه در مجلس علنی که روز نامه نویسی و تماشای حاضر باشد آن قانون از نظر و کلا نگذشته بوقوع اجرا بیاید ما چنین حقی را ندادیم دیگر عرضی ندارم.

**رئیس** - امامی مدرس (اجازه)

**مجلسی** - خیلی معذرت میخوام که بنده مریض بودم و مدتی از خدمت آقایان محروم ماندم و حالیه هم چون این مسئله خیلی اهمیت داشت خدمت آقایان مشرف شدم بنده در حدود فرمایشاتی که آقایان میفرمایند نسبتاً می بینم اختلافی نیست عرض میکنم همه معرفند که قضاوت اسلام که دوازده روز و بیست سال از آن گذشته است قضاوت بسیطه است و تازه بعضی از مالک دنیا هم فهمیده اند که قضاوت بسیطه می ماند و بتدریج همه دنیا این مطالب را خواهند فهمید لکن در قانون اساسی ما يك فرمایشی فرمودند و حق هم فرمودند فرمودند که مرجع تظلمات عمومی عدلیه است نظر به مقتضیات زمان ملاحظه کردند دیدند که هر شخصی

که صبح از خانه اش بیرون آمد اگر سه نفر او را احضار کنند مجبور است حاضر شود بيكی ملاکه مجتهد باشد اگر نوکرش بیاید بگوید که فلان کس میگوید بیاید از تو طلب دارم باید بروی بيكی کدخدای محل بيكی حاکم . غرض در آن زمان حساب کردیم سه نفر بودند که هر شخصی که از خانه بیرون بیاید اگر این سه نفر نوکرشان را بفرستند که باید طلب فلان کس را بدهید باید حاضر شود و البته آنها هم که قانون اساسی نوشته اند عقلاً بوده اند دیدند اسباب زحمت مردم است انداز فرمودند بنویسند که مرجع تظلمات عمومی است نوکر

عدلیه که آمد گفت مال مردم را بده باید بدهد کسی دیگر این حق را ندارد بالاخره بواسطه پیش آمد دنیا و زمان مقتضی شد که مرجع تظلمات عمومی عدلیه باشد و در دوره دوم که ما آمدیم اینجا بيك عدلیه بوده و گفتند از هر جهت تحصیل وزارت عدلیه آقای مشیرالدوله قابل است - خدمت آقای مشیرالدوله مشرف شدیم فرمودند من وزارت عدلیه را قبول نمیکنم برای اینکه وزارت عدلیه را قانون ندارند من بروم چکنم و بگیریم چه ناچار در مجلس رای دارند که کمیسیون عدلیه در اسرع وقت قانونی ترتیب بدهد و آقای مشیرالدوله تشریف ببرند در عدلیه و بوقوع اجرا بگذارند این ملاحظه که اگر آن قانون بمجلس بیاید يك سال دو سال چهار سال اگر همه روز مجلس می شد این مواد اصول معاکمات از مجلس میگذشت کما اینکه تجربیات همه نشان میدهد که بيك ماده یا دو ماده که بمجلس پیشنهاد میشود چه مقدار در اطرافش مطالعات و مذاکرات میشود و طول میکشد اما کمیسیون عدلیه آنوقت دخلی به کمیسیون عدلیه حالاً نداشت و وزیر عدلیه آنوقت هم دخلی بوزیر عدلیه حالاً نداشت و وزیر عدلیه آنوقت هم آقای مشیرالدوله بودند که هم آنروز اختصاص داشتند و هم امروز کمیسیون عدلیه حالا هم اشخاص خوبی هستند ولی در آن ایام اشخاص معکم تری در کمیسیون بودند چون تمام اینا ملاحظه میشود لهذا عقیده بنده این است که آنچه که باید بکمیسیون عدلیه بیاید باید اولاً طبع و بین تمام نمایندگان توزیع شود و در بکمیسیون عدلیه هم باز باشد و تمام و کلا بیاید و اظهارات خود را در کمیسیون بکنند و هر نظری دارند بفرمایند من متکرر که امضای کمیسیون زیاد شود زیرا هر چه عدل باشد و قوانین عقب می افتد و گمان نکنید که صد ماده تا دوست ماده است اگر صد ماده بود مضایقه نبود که کمیسیون نظر بکنند و بعد بمجلس بیاورد بيك دوره معاکمات حقوقی است و بيك معاکمات جزائی است که در خارج مجلس خدمت آقای مشیرالدوله نظر کردم و اصلاً در کمیسیون مجلس هم نیامده بنده بودم و آقای مشیرالدوله و آقای میرزا رضا خان و بعضی اوقات هم آقای حاج سید نصرالله تشریف می آوردند این نکته را که عرض کردم بواسطه آن فرمایشی بود که آقای ارباب فرمودند و ظاهر یکی از آقایان دیگر هم فرمودند که (در این ده سال فطرت که مجلسها نتوانستند بطور قرائت در قوانین عدلیه نظر بکنند و روزی که آمد با بواسطه احتیاجات روز یا ترتیبات دیگر يك ابلاغاتی صادر

کرد که باین مواد اضافه شده است) عرض بنده نظریات و زرای روز و نظریات شخصی بيك نفر وزیر را کار ندارم قانون مجازات هم لازم است و بالاخره آنچه که محل احتیاج امروز مردم است قریب دوسه هزار ماده است که باید بفوریت بگذرانند چون تمام مردم در زحمت هستند و بيكی از آن جهت هائی که تولید زحمت کرده طول معاکمه است که اسباب زحمت مردم شده است چه برای فقیر و چه برای غنی اگر میگویند که در ب عدلیه را ببینند تا این دوسه هزار ماده از مجلس بگذرد این بيك بیان خوبی است ولی حقیقتاً راجع بانکار اساسی عدلیه است پس علیهذا خوب است که کمیسیون عدلیه بفوریت تشکیل شود و لوایح منتشر شود و آقایان و کلا تماماً هر نظری دارند اظهار دارند و همینطور که پیشنهاد شده است کمیسیون عدلیه حق داشته باشد لدی الاقتضا از داخله مجلس اگر متخصص بجهت این کار دید داخل نماید و هم چنین از خارج مجلس مثلاً خود آقای مشیر الدوله رئیس الوزراء در بعضی مطالب متخصص هستند و البته باید حاضر باشند که اگر دعوت شدند تشریف بیاورند و با ایشان تبادل افکار شود و هکذا نسبت باهل علم دیگر البته مطالبی که اتفاق می افتد هر مطلبی مناسب باشخصی است که متخصص هستند ولی بنده متکرر این نیستم که عده کمیسیون اضافه شود اما اعتراضات دیگر را بنده بی جهت نمیدانم تصویب اجمالی مجلس تصویب تفصیلی است و بتصویب قبلی تصویب بعدی است همانطور که قوانین شب و روز محل احتیاج می شود همانطور دولت پیشنهاد میکند و مجلس هم بصوت اجازه میدهد که هر قانونی که از کمیسیون عدلیه میگذرد دولت مجاز است بوقوع اجرا گذارد و ممکن است همانوقت هم آن قوانین بیاید بمجلس ولی اجرائی موقوف نباشد بگذشتن از مجلس زیرا اگر موقوف باشد و اتفاق پیش می آید و آنوقت تا تمام میماند و هیچ قانونی هم در دستشان نیست و اما بعضی که در مطالبه آنها با مطالب شرعی دقت دارند البته این مسئله را ما باید تماماً در قلمبان حقیقتاً تعمیم بکنیم من خودم این قسم هستم که خودم را هیچ وطنخواه تر و مسلمان تر از دیگران نمیدانم و امیدوارم که تمام همین قسم باشند البته باید جد و جهد کرد که بيك سر موئی قوانین ما از حدود اسلامیه تجاوز نکند.

لذا هر کسی که در هر پیشنهادی نظریه دارد البته باید بکمیسیون رجوع بفرمایند شاید اهل کمیسیون اشتباه کنند و او اشتباه نکرده باشد لهذا با این عرایضی که کردم و خیلی اسباب زحمت شدم گمان میکنم که اینها مانعی نداشته باشد و باید رای داده شود و آقای وزیر عدلیه هم لوایح خودشان را تهیه کنند و آقای آقا میرزا رضا خان هم که بصیراند و خودشان در موقع وضع این قوانین از اول تا آخر بوده اند.

**وزیر عدلیه** - در تکمیل فرمایشات آقای مدرس نظر باینکه بيك مطلبی در اینجا گفته شد و بقدر کفایت توضیح داده نشده لهذا بنده عرض میکنم

آقای حائری زاده فرمودند رای مجلس وقتی واجب الاطاعه می شود که در مجلس علنی رای گرفته شود و میخواستند این طور نتیجه بگیرند که قوانینی که در کمیسیون تصویب می شود دارای آن لزوم اجرا نخواهد بود .

بنده در مقدمه نظر ایشان با ایشان موافقم ولی در نتیجه آن موافق نیستم راست است که رای مجلس شورای ملی وقتی واجب الاجرا میشود که در مجلس علنی باشد ولی همین رای که امروز اتخاذ می شود یعنی واگذار کردن این حق بکمیسیون همین رای واجب الاجرا است چون در مجلس علنی رای گرفته می شود و بکمیسیون عدلیه این حق داده می شود پس از آن مقدمه آن نتیجه ای را که آقای حائری زاده میگویند صحیح نیست و همین رای که در مجلس علنی داده می شود واجب الاجرا است و همچنین بنده در اصل فرمایشات آقای مدرس موافقم و بجهت خاطر ایشان عرض میکنم که بيك قسمت از فرمایشاتشان هیچ مانعی ندارد که الان هم اجرا شود و محتاج با اجازه ثانوی نیست از قبیل طبع لوایح پیشنهادی دولت این بيك چیزی است موافق نظامنامه که لوایح طبع و توزیع شود یا حق دعوت کمیسیونها از اشخاصی که متخصص آند

بنده عرض میکنم که این حق الان برای تمام کمیسیونها موجود است و هر کمیسویی می تواند چه از خارج و چه از نمایندگان هر کسی را که لازم می داند بخواهد و دعوت کند و آنچه در باب جلب نظر آقای رئیس الوزراء اشاره فرمودند این را هم بعرض ایشان میرسانم .

اما کلیه این لوایحی که از طرف دولت و وزراء پیشنهاد می شود دارای دو امضاء است بيكی امضای وزیری که مسئولیت دارد و بيكی هم امضای آقای رئیس الوزراء است و فقط در بيك نقطه بنده با آقای مدرس مخالفم چون ایشان موافق با زیادی عده نبودند و بنده موافقم .

البته بنده اعتراف می کنم زیرا در مجالس دوم و سوم و چهارم بوده اند و می دانند که هر چه عده کثر باشد البته سرعت عمل زودتر واقع می شود ولی با وجود این بعقیده بنده خوب است ایشان از این مخالفت صرف نظر فرمایند و موافقت بکنند که از هشت نفریکه حالا هست عده کمیسیون تجاوز کند و بدوازده نفر برسد و نظرهاي مختلفه ای که در مجلس ممکن است موجود باشد در نظر آقایان بیاید این نکته را هم می خواهم بآقای تدین عرض کنم که با این نظریه که از طرف آقای رئیس الوزراء اظهار شده و از طرف بنده حالا تأیید شد ایشان هم موافقت فرمایند که این مطلب چندان طول نکشد بيك مطلبی هم آقای حائری زاده و بيك عده دیگری از آقایان فرمودند (هیچ بيك از قوانین را نمی نویسد چرا میگویند قوانین موقتی) بنده عرض می کنم اینکه گفته می شود قوانین موقتی مقصود در مقابل دائمی نیست تکیه در مقابل قوانین قطعی است

البته هیچک از این قوانین دائمی نیست ولی وقتی يك قوانینی را موقتی می گویم مقصود قوانینی است كه هنوز قطعی نشده است و هنوز تمام مقدمات خود را طی نكرده است كه آن را قطعی بكنند بلكه اشاره دیگری هم ایشان کردند راجع باینكه اصول حكمت بقاب اداری ریخته شود البته لباس من اجازه نمیدهد كه بایشان این مطلب را یادآوری کرده باشم ولی در اصول شرعی آن قدری كمن می دانم لازم حكمت این است كه رضایت طرفین باشد و اگر رضایت طرفین نباشد از درجه اعتبار ساقط است و من میگویم اگر ما بخواهیم اصول حكمت را در قالب اداری بریزیم اجباری حاصل می شود بنابراین من میترسم كه انحرافی از موازین شرعی شده باشد لذا از این مطلب خود - داری می كنم

**رئیس - آقای آشتیانی (اجازه)**

**آقای میرزا هاشم آشتیانی - يك سوالی** بنده می خواستم بكنم و فرمایشات آقای مدرس بیشتر مؤید آن سوال بنده شد عرض می كنم از طرف بعضی از موافقین كه در این پیشنهاد اظهار عقیده می شود و هم چنین از طرف آقایان وزراء (چنانچه در اصل لایحه هم اشاره شده است) راجع بملاحظات و اصلاحات در امور قضائیه است و بنده تصور میكنم كه آقای وزیر عدلیه محققاً فرق می گذارند بین اصول قضائیه با اصول تشكیلات اداری باین ترتیب این قسمتی را كه در ذیل همین ماده اول اشاره فرمودند كه من آنها را برای آزمایش در تكمیل و تسریع بموقع اجرا خواهم گذاشت چون در مسائل قضائی و حقوقی نمی شود آزمایش كرد لذا من خواهم می كنم كه این كلمه را بردارند و بجای آن كلمه دیگر بگذارند دیگر آنكه توضیح بدهند آن اصولی كه میخواهند در كمسیون عدلیه بیاورند چیست ؟

**رئیس - آقای سدیدالملك موافقت**

**سدیدالملك - بنده يك اصلاح عبارتی داشتم** اجازه بفرمائید ؟

**رئیس - بالفعل موافق و مخالف حرف میزدند آقای فتح الدوله**

(اجازه)

**فتح الدوله - بنده عرضی ندارم**

**رئیس - آقای آقا شیخ ابراهیم زنجانی**

(اجازه)

**آقا شیخ ابراهیم زنجانی - بنده يك سوالی** از آقایان میكنم كه آیا باورایی كه از كمسیون می گذرد قانون است یا قانون نیست ؟ بنده می گویم قانون نیست فقط يك لایحه است كه وزیر عدلیه اجازه میخواهد از كمسیون بگذرد و برای آزمایش بموقع اجرا گذارده شود اگر کسی بگوید قانون است خلاف قانون اساسی کرده است برای اینکه قانون باید ماده بماده نوشته شود و بمجلس بیاید و دو مرتبه بمجلس شور شود و بهر يك از مواد دو مرتبه رأی گرفته شود پس از آن بلكی آن هم

رأی گرفته تا بتوانیم قانونیش بگوئیم پس این يك رخصتی است كه يك وزیر داد می شود كه يك لایحه كه از كمسیون گذشته بامی گذرد موقتاً بموقع اجرا گذارد همانطور كه آقای مصدق السلطنه لایحه آوردند كه يك مدتی برای آزمایش بآن عمل كنند ولیكن این رخصتی كه ایشان میخواهند اگر مثل آقای مصدق السلطنه سه ماهه قید كنند آنوقت مجبوریم بگوئیم سه ماه تمام شد و ایشان هم فرار كنند ولی اگر برای آن مدتی بگذاریم هر وقت از ایشان سوال كنیم بطور شد جواب میدهند آزمایش تمام نشده پس خوب است يك مدتی فرار دهند كه این آزمایش تامنت يك سال یا شش ماه یا سه ماه باشد كه بعد نگویند كه آزمایش تمام نشده و هر وقت سوال كنیم جواب بدهند كه قانون عدلیه مهم است و باید در تمام مملكت آزمایش بشود لذا تقاضا می كنم مدتی برای آن معین شود

**وزیر عدلیه - تعیین مدت** باوجود آنكه من اساساً مخالف با آن ندارم خیلی مشكل است كه مدتی تعیین كنیم كه مطابق با عمل بكنند و این مطلب را یادآوری می كنم كه مجلس شورای ملی همیشه وسیله دارد برای اینکه يك قانونی را نقض كند همان طور كه فرمودند فعلاً يك رخصتی میدهند و همیشه وسیله نقض آن را دارد پس بنابراین نمی دانم كه در آنجا تعیین مدت ادجج است با آنكه نمایندگان چون خودشان بهتر ملتفت هستند اگر در زمان آزمایش معایبی دیدند تقاضا كنند كه آن قوانین موقتی را بمجلس آورده و نقض كنند

**رئیس - در ماده اول مذاكرات كافی است یا نه ؟**

(جمعی گفتند كافی است)

**رئیس - رای می گیریم آقایان بلكه ماده اول را تصویب میكنند قیام فرمائید**

(اغلب قیام نمودند)

**رئیس - تصویب شد**

**آقای میرزا هاشم آشتیانی - پیشنهادی** شده بود -

**مدرس - بعد از قرائت هر دو ماده اگر پیشنهادی هست قرائت می شود**

**رئیس - ماده دو قرائت میشود (آقای تدین بمضمون ذیل قرائت نمودند)**

**ماده دو - این اجازه شامل قوانینی است كه از تاریخ تصویب این لایحه تا شش ماه از طرف وزیر عدلیه بمجلس شورای ملی پیشنهاد می شود**

**رئیس - مخالفی نیست ؟ آقای حاج میرزا علی محمد دولت آبادی**

(اجازه)

**حاج میرزا علی محمد - چون این قوانین** را كه آقای وزیر عدلیه بمجلس تقدیم می دارند از جمله آنها یکی قانون ثبت اسناد است كه سابقاً از مجلس گرفته و شاید قوانین دیگری هم باشد كه از مجلس گذشته باشد بنابراین میخواهم بدانم كه آقای

وزیر عدلیه مقصودشان این است آن قوانین هم كه از مجلس گذشته بكمسیون برود و در آنجا تسخ شود مثلاً قانون ثبت اسناد و قبول و نكول برداشت امثال آن اگر اینطور باشد بنظر من خیلی بعید می آید و از وظیفه كمسیون هم خارج است و اگر مقصود لوایح قانونی است كه از مجلس گذشته است در آن صورت باید نوشته شود لوایح قانونی كه بمجلس پیشنهاد می شود در صورتیکه در اینجا نوشته شده است قوانینی كه از طرف وزارت عدلیه پیشنهاد می شود

**رئیس - لایحه قانونی هم قانون است تفاوت نمی كنند آقای فهیم الملک**

(اجازه)

**آقای فهیم الملک - بنده هم** قسمت آخر فرمایش آقای دولت آبادی را می خواهم عرض كنم یعنی اینجايك اصلاح عبارتی لازم است چون در این ماده می گوید ( این اجازه شامل قوانینی است كه از تاریخ تصویب این لایحه الی آخر) چون قانون اطلاق می شود بر قوانینی كه تمام مراحل قانونی را طی کرده و از مجلس گذشته باشد و بعقیده بنده بهتر این است نوشته شود قوانینی كه از طرف وزیر عدلیه اوایح آن از تاریخ تصویب این لایحه تا شش ماه پیشنهاد می شود

**وزیر عدلیه - این قسمت** مسلم بود و بنده خیال می كردم از كمسرت توضیح محتاج بتذکر نیست ممكن است لوایح قانونی نوشته شود ضرری ندارد

**رئیس - محمد هاشم میرزا**

(اجازه)

**محمد هاشم میرزا - عرضی ندارم**

**رئیس - دیگر مخالفی نیست ؟ رای میگیریم** بماده دوم آقایان بلكه ماده دوم را تصویب می كنند قیام فرمائید

(اغلب قیام نمودند)

**رئیس - تصویب شد**

**پیشنهادی از طرف بیست نفر آقایان شده قرائت** شده و رای میگیریم

(بعضیون ذیل قرائت شد)

**ما امضاء كنندگان ذیل پیشنهاد بمنمائیم** كدر توضیح لایحه پیشنهادی وزارت عدلیه كمسیون عدلیه حق داشته باشد از داخل و خارج مجلس اشخاص خبری را در مواقع لازمه و شور كمك مشاوره و تبادل افكار دعوت نماید

**وزیر عدلیه - بنده** تصور می كنم این پیشنهاد محتاج برای نباشد برای اینکه خود كمسیون این حق را دارد كدر هر كس لازم می داند دعوت نموده توضیح بخواهد و اگر مجلس شورای ملی در این باب رای بدهد مفهوم مغالطش این است كه سایر كمسیون ها این حق را ندارد در صورتیکه همه كمسیونها این حق را دارند

**رئیس - در این باب** کسی اظهاری دارد

**نظام الدوله - بنده** در این باب توضیحی داشتم اجازه می فرمائید

**رئیس - بفرمائید**

**نظام الدوله - راجع** باین پیشنهاد بیانی كه آقای وزیر عدلیه فرمودند صحیح است ولی ممكن است كمسیون با وجود آنكه می تواند می خواهد این كار را بكنند و خود را مستثنی بدانند و در این قضیه اقدام بكنند و چون در خارج اشخاص هم هستند كه در این موضوع متخصص هستند و اطلاعات كافی دارند این موضوع كمسیون و مملكت می تواند از وجود آنها استفاده كامل بكنند باین جهت این پیشنهاد شده كه كمسیون مقید باشد كه اشخاص متخصص را دعوت كند

**وزیر عدلیه - بعقیده** بنده كلمه میتواند كمسیون واقفید نميكنند میتواند بكنند می تواند نكنند

**رئیس - بلی** این پیشنهاد اجبار را نمیرساند در این صورت لازم برای گرفتن نیست رای میگیریم بلكه لایحه كه مشتمل بر دو ماده است آقایان بلكه تصویب می كنند قیام فرمائید

( اكثر قیام نمودند)

**رئیس - تصویب** شد در كمسیونها چند نفر كسر امضاء داریم چنانكه سابقاً هم عرض کرده ام برای كمسیون خارجیه و ماله و عدلیه باید چند نفر انتخاب شود خوب است در موقع تنفس آقایان كسری امضاء را انتخاب بفرمائید چون كمسیون خارجیه كارش از همه بیشتر است اگر نتوانستند امضاء كمسیون قوانین ماله و عدلیه را انتخاب كنند لافل كسر امضاء كمسیون خارجیه را امشب انتخاب بفرمائید

(در اینوقت جلسه برای تنفس تعطیل و پس از نیم ساعت مجدداً تشكيل گردید)

**وزیر فوآند عامه - بر حسب** تقاضای امالی اصنهان راجع بالعاق آبرود كارون بهزاینده رود پیشنهادی تهیه شده بمجلس مقدس تقدیم می شود

(بآقای رئیس تسلیم نمودند)

**رئیس - ارسال** می شود بكمسیون فوآند عامه فعلاً ماده دوازدهم ضمیمه راپرت كمسیون بودجه مطرح است

( آقای تدین ماده دوازده را بمضمون ذیل قرائت نمودند)

**ماده ۱۲ - وزارت** چنگ پیشنهادی دولت ۹ ملیون تصویب كمسیون بودجه هم نمیلیون است

**رئیس - مخالفی** در این باب نیست ؟ آقای حائری زاده

(اجازه)

**رئیس - بفرمائید**

**حائری زاده - اگر** بنده در اطراف این لایحه قدری صحبت کرده ام لابد مورد ملامت نیستم زیرا مجلس در مسائل اساسی مذاكرات را خیلی زود كافی می دانند و بنده موفق نمی شوم مطالب را موافق عقیده خود عرض كنم همین طور در موضوع معارف و فوآند عامه

و غیره پیش آمد و موقع حرف زدن بنده نرسیدر موضوع وزارت چنگ هم باید فهمید وزارت چنگ این ۹ ملیون اعتبار را برای چه خواسته اگر برای نگاهداری قشون بیکار در مملكت است كه اگر يك وقتی جنگی با خارجه پیش بیاید دفاع كنند من با این اصل مخالفم بجهت اینکه ملت ایران از پنجاه سال باینطرف با ملل همسایه خودش جنگی نداشته و بنده هم امیدواریم نماینده ما در انجمن اتفاق ملل تربیتی پیش بیاورد كه همیشه با تمام دول با صلح و مسالمت روابط مابرقرار باشد

پس ما قشون را برای چنگ خارجی لازم نداریم و اگر يك روزی خدای نخواست چنگ خارجی شد این سی چهل هزار نفر قشون نمی تواند دفاع كند و باید مطابق مذهب اسلام همه ملت مسلح شوند و از حقوق خود دفاع كنند و این سه ملیون مخارج قشون كفا را ما نباید متحمل بشویم و اگر این ۹ ملیون از جهت جلوگیری اشرار داخلی خواهد بود ؟

پس وزارت داخله برای جلب بودجه وزارت داخله و وزارت چنگ در سال پیچی میل كه آقای مشیر الدوله مسئول بوده اند ۹ ملیون و كسری بوده در صورتیکه امروز ما یازده ملیون وسبصد و پنجاه هزار تومان است اگر وزارت چنگ مسئول انتظامات داخلی است پس وزارت داخله جرا این اسم را روی خود گذاشته كه ما بیائیم بفرمان فرمایان و حكام كه اصول ملوك الطوائفی را در این مكلف ادامه می دهند يك پول هنگفتی بدهیم كه اسماً مسئول انتظامات داخلی مملكت باشند و خودمان را كول بزئیم و برای این اشخاص يك بودجه پنج كروری تهیه كنیم در صورتیکه انتظامات را قشون مامتعل میشود بعهده بنده این يك چیز صحیحی نیست كمسیون بودجه برای انتظامات داخلی بیست و سه كروری معین کرده كه عبارت از بودجه وزارت چنگ و وزارت داخله باشد

در صورتی كه هنوز انتظاماتی بر قرار نشده و در حدود یزد كه اطلاعات من در آن حدود بیشتر از سایر جاها است بفاصله يك ماه تمام مال التجاره تجار را برده اند و بوزارت داخله شكایت میكنند جوابی كه من غیر مستقیم داده می شود این است كه هزار و پانصد تومان برای قره سورانی یزد بیشتر معین نشده در صورتیکه دو هزار و پانصد فرسخ مربع اراضی بائر دارد كه مأمّن سارقین است

بدیهی است با هزار و پانصد تومان نمی شود جلوگیری از اشرار و غارتگری فارس نمود معلوم است این تأمین را قشون باید فراهم كند مردم باید بدانند كدام

وزارتخانه مسئول انتظامات داخلی است كه هر وقت مال کسی را بردند ما بدانیم از كدام وزیر سوال كنم كه اشرار را قلع و قمع کرده اموال مردم را كه برده اند گرفته بصاحبش اول بدهند اگر وزارت

چنگ مسئول انتظامات داخلی است در این صورت اگر از ۹ ملیون هم بیشتر پیشنهاد می كردند بنده قبول می كردم چون من انتظامات را بیشتر از همه چرا لازم میدانم زیرا این مردم تا امنیت نداشته باشند نمی توانند قدمی برای تجارت و سایر مسائل بردارند والا اگر مقصود از این قشون بیکار برای جلوگیری از هجوم اجانب است بنده با يك شاهمی تصویب نمیكنم آقای مخبر كمسیون بودجه تشریف ندارند ایشان در جلسه سابق دره موضوع بوده و وزارت داخله میفرمودند مطالب فلان كس عملی نیست بلی مطالب من عملی نیست در صورتیکه خواسته باشم ملوك الطوائفی را در این مملكت دوام بدهیم و عشار مسلح وحشی را باقی بگذاریم و بكنفرم بنام فرمانفرما و حكومت بفرستیم و يك مخارج هنگفتی را متحمل بشویم و مبالغ زیادی برای كرسیهای فرمانفرمایی تصویب كنیم اگر اینطور است دیگر مستاج باین قشون نیستیم من نمی دانم در جواب متظلمین امروزه چه جواب بدهیم باینكه پنج كروری بودجه برای انتظامات تصویب کرده ام در صورتیکه ما قائلیم امنیت ما را وزارت چنگ عهده دار است پس اگر قشون را برای جلوگیری از تعدیات این عشار وحشی نگاهداری میكنند ۹ ملیون كسهل است هر چه بیشتر بدهند بنده تصویب نمیكنم باز هم تکرار می كنم حالا كه ما پول نداریم باید موافق احتیاج خودمان تأسیسات بكنیم

مثلاً امروز پنج شش وزارتخانه بیشتر برای ما لازم نیست يك وزیر انتظامات با بودجه ده یازده ملیونی كه مسئول انتظامات باشد و این هرج و مرج حالیه را خاتمه دهد و يك وزارتخانه برای سیاست خارجی و يك وزارتخانه برای معارف و صبحیه و يك وزارتخانه برای امور قضائیه و ثبت اسناد و اگر يك پول زیادی هم داشته باشیم يك وزارتخانه هم برای حوائج عمومی از قبیل ارزاق و غیره اگر چه روحاً عمل انتظامات را وزارت چنگ عهده دار است ولی اسماً مسئول انتظامات داخلی مملكت نیست اسم وزارت چنگ حاکی است كه هرقت جنگی با خارجه پیش آید او باید دفاع كند و اگر حقیقه وزارت چنگ افراد مسلح بیکاری برای جلوگیری از حملات خارجی تهیه می كند بنده عرض می كنم ملت ایران با هیچ دولتی در چنگ نیست و لازم نیست با تصویب ما تصویب كنیم ۹ ملیون پول رعیت بیچاره مخارج يك عده قشون بیکار بشود

**وزیر عدلیه - نظر** باینكه آقای وزیر چنگ تشریف ندارند كه از نقطه نظر وزارت چنگ این مطلب را دفاع كنند وزیر ماله هم مخبر محترم كمسیون بودجه نظر

بنده اظهارات نماینده محترم را بدقت گوش دادم و بالاخره چیزی كه ملتفت شدم دوسه مطلب بود شاید هم اشتباه کرده باشم بلكی آنكه در تحت عنوان مخالفت با وزارت چنگ و نسبت بی بودجه وزارتخانه های دیگر مخصوصاً وزارت داخله كه مورد عدم توجه

آقای حائری زاده واقع شده است اظهار عقیده کردند و بعد هم فرمایشاتی فرمودند که مفاد فرمایشات ایشان این بود که نظر باینکه افراد قشون ما برای نمایش است و بیکار می باشند این پول نباید داده شود بطور مقدمه باید عرض کنم که اگر همه نمایندگان معترم نظر آقای حائری زاده را می داشتند و با بودجه وزارت جنگ وزارت داخله مخالفت می فرمودند درست نقص عرض لازم میشد زیرا ایشان فوق العاده از برقرار بودن حکومت ملوک الطوائفی و جلوگیری نشدن از خودسری های ایلات و عشایر تعاضی دارند اما برای خاتمه حکومت ملوک الطوائفی و خودسری ایلات جز وزارت جنگ منظم و وزارت داخله مرتب هیچ طریقه دیگری بنظر نمی رسد خاتمه دادن باصول ملوک الطوائفی و خودسری افراد چنانکه تاریخ نشان می دهد همیشه منوط بزور بوده است ملاحظه می کنید مثالی دارند و میگویند (سپویس یاسیم یارابوم) یعنی اگر صلح می خواهد میهای جنگ باشید پس صلح طلبی حقیقی در این است که انسان باید همیشه قدرت این را داشته باشد که حاضر جنگ باشد کسی که می خواهد صلح طلبی خود را تکیه بضعف و دهنمنا ممکن نمیشود کسی که می خواهد صلح طلبی خود را تکیه بضعف دهد معنا ممکن نبود کسی که عقیده اش خاتمه دادن باصول ملوک الطوائفی باشد باحالت ضعف عقیده اش تأمین نخواهد شد.

کنیم مخالفت آقای حائری زاده با بودجه وزارت جنگ مقصود شان پیدا کردن مورد برای مخالفت با بودجه وزارت داخله بوده است و این که فرمودند ما نمیدانیم کدام يك ازوزارت خانهها مسئول انتظامات است و ایشان اطلاع دارند که در حدود یزد هزار و پانصد تومان برای قره سورانی تصویب شد و این مبلغ نمی تواند امنیت آن حدود را تأمین کند باید برای اطلاع ایشان عرض کنم و که مسئول امنیت يك وزارت خانه بخصوص نمی تواند باشد بلکه هیئت دولت مسئول است و ممکن است از طرف وزارت داخله برای اجرای وظائف خود از وزارت جنگ کمک و تقویت خواسته شود پس اگر وزارت جنگ نکته است من مسئول انتظام هستم هیچ رفع مسئولیتی از وزیر جنگ نمیکنم وزیر جنگ هم مثل وزیر داخله هم از نقطه نظر مسئولیت مقتر که هم دارد هم از نقطه نظر فرماندهی قوای عمومی نظامی مسئول امنیت هستند اما کم بودن حقوق قرا سوران هم علت خیلی ساده دارد و علتش این است که وزیر جنگ هنوز موفق نشده است قوای را که مرکز توقف اصفهان خواهد بود و منشیات آن بنقاط جنوب بسط پیدا خواهد کرد که من جمله یزد خواهد بود برقرار کند ولی با جدیت و فعالیت که وزیر جنگ حالیه دارد من یقین دارم که طولی نخواهد کشید که آن دسته جات قشونی که لازم است اعزام و برای یزد هم معین خواهد شد و لذا نگرانی خاطر آقای حائری زاده کاملاً مرتفع خواهد شد

**رئیس -** آقای نظام الدوله موافقت با نظام الدوله - بلی موافقت  
**رئیس -** آقای حاج میرزا مرتضی حاج میرزا رضی - بنده می خواهم سؤال کنم که در مقابل این ۷۰ میلیون تومان چقدر قشون ممکن است داشته باشیم

**وزیر عدلیه -** فعلاً این مبلغ مخارج قشون حاضره که سی و دو هزار نفر است می باشد  
**رئیس آقای آقا سید یعقوب آقای محمد هاشم میرزا و آقای دولت آبادی موافقت (گفتند بلی)**  
**رئیس -** آقای حاجی شیخ اسدالله بطور حاج شیخ اسدالله - موافقت  
**رئیس -** آقای فهیم الملک (اجازه)

**فهیم الملک -** بنده موافقت  
**رئیس -** آقای مستشار السلطنه چه طور؟  
**مستشار السلطنه -** بنده هم موافقت  
**رئیس -** آقای حائری زاده (اجازه نطق)

**حائری زاده -** من طرف دارم منستم اسمش را وزارت داخله بگذارید و وزارت جنگ بگذارید و وزارت انتظامات هیچ فرقی نمی کند من هر این مملکت فقط يك همدی و پنج هزار نفری افراد مسلح که همه دار انتظامات داخلی باشد لازم می دانم ولی بودجه وزارت جنگ را که آورده اند ما تصویب نکنیم

نظر دارند بواسطه همین تشکیلات انشاء الله فراهم خواهد شد و اسباب آسودگی خاطر ایشان فراهم خواهد آمد  
**رئیس -** مذاکرات کافی است (جمعی گفتند کافی است)  
**رئیس -** رأی میگیریم آقایانیکه ماده دوازدهم را تصویب میکنند قیام فرمایند (اکثر قیام نمودند)  
**رئیس -** تصویب شد .  
ماده ۱۳ قرائت میشود

(آقای تدین بمضمون ذیل قرائت نمودند)  
ماده ۱۳ - اقسام قروض یازده هزار و پنجاه و چهار لیره پیشنهادی دولت ۶۳۰۰۷۲ تومان تصویبی کمیسیون هم همین مبلغ است  
**رئیس -** آقای نظام الدوله (اجازه)

**نظام الدوله -** بنده می خواهم پیشنهادی کنم چون مخبر کمیسیون تشریف ندارند و آقای وزیر عدلیه هم تا يك حدی بنا بر وظایفی که دارند دفاع می فرمایند بنده عقیده دارم که مذاکره این ماده برای جلسه آینده بماند

**وزیر عدلیه -** آقای نظام الدوله فرمایشی فرمودند که مخبر حقیقی کمیسیون بودجه بنده هستم و امضای بنده را هم دارد  
**رئیس -** آقای فهیم الملک مخالفت  
**فهیم الملک -** بنده موافقت و بعد از يك مخالف نظریات خود را عرض خواهم کرد  
**رئیس -** آقای آقا سید یعقوب (اجازه)

**آقا سید یعقوب -** بنده می خواهم از آقای وزیر عدلیه که نایب جناب آقای مخبر هستند سؤال کنم که این چه قرضی است آیا قرضی است که در دوره قنوت شده یا در زمانی که مجلس بوده است مطابقت قانون اساسی ابداً دولت و ملت ایران ضامن آن نخواهد بود می خواهم بدانم موضوع آن فرض چیست و اصل آن چقدر است که دولت باید در سال این مبلغ را بدهد چون مهم است و صورت آن در اینجا ذکر نشده خواهش میکنم موضوع آنرا بفرمائید

**وزیر عدلیه -** اولاً بنده نایب جناب مخبر کمیسیون بودجه نیستم و مذاقت نظریه دولت هستم تا نیا قروضی که در این جا ذکر شده مربوط بوجهی است که در دوره قنوت گرفته شده و دولت ایران قروضی داشته و قبلاً داشته است که مطابق آن صورت صحیحی هست که تمام ارقامش از روی صحت و مطابق تقبلات دولت صحیح است و دولت و ملت ایران مکلف هستند تأدیه نمایند.

**رئیس -** مستشار السلطنه (اجازه)  
**مستشار السلطنه -** بنده می خواهم زیر همین قروض را که باید یازده هزار و کسری لیره ماهیانه برداشت پیشنهاد کنم طبع و توزیع خود که هم تسعیر

لیره را بدانم و هم بدانم در موقع پرداخت صلاح است همین لیره بپردازیم یا تسعیر بتمان بکنیم و برای اینکه درست بشویم نظریه خود را اظهار داریم و صورت ریز قرضهای خودمان را مطالعه کرده و آرزو کیفیت آنها مطلع شویم لهذا پیشنهادی تقدیم می کنم که صورت آن طبع و توزیع میشود  
**وزیر عدلیه -** مورد این نظریه آقای مستشار السلطنه در موقعی است که بودجه های جزع پیشنهاد خواهد شد

فعلاً این يك اعتباری است که برای تأدیه اقساط قروض تصویب می شود  
**رئیس -** پیشنهاد آقای مستشار السلطنه قرائت می شود (بمضمون ذیل قرائت شد)  
بنده پیشنهاد می نمایم که صورت کلیه قروض دولت علیه ایران بدولت انگلیس را طبع و توزیع بنمایند که ملاحظه شود...

**رئیس -** توضیحی دارید بفرمائید  
**مستشار السلطنه -** بنده تصور می کنم در مواقع استقرار در موقع پرداخت اقساط استهلاک دولت ایران تا امروز هر چه معامله کرده است حالت غبن داشته حالا هم برای اینکه از مطلب مسبوق باشیم و کاملاً دقت کنیم و بدولت خودمان اعتبار تأدیه آن را بدهیم بنده این پیشنهاد را کرده ام چون در اطراف اصل وجوهی که بعنوان قرض تا اکنون گرفته شده بعضی صحبتها شده است که صلاح نیست حالا گفتگو شود.

ولی عجالتاً برای اینکه بفهم اقساط این قروض چیست و در پرداخت آن نظر مبصرانه داشته باشیم بهتر این است که يك صورت جزئی داشته باشیم که ببینیم قران باید بدهیم یا لیره بدهیم  
**رئیس -** آقای حاج نصیر السلطنه (اجازه)

**حاج نصیر السلطنه -** بنده متأسفانه با پیشنهاد آقای مستشار السلطنه مخالفم برای اینکه آقای مستشار السلطنه باید ملاحظه فرمایند که همیشه امضای دولت معتبر است چون در مواقع مختلفه نظر با احتیاجات آنی وفوری که قرض را ایجاب می کرده است دولت يك استقراراتی نموده بنا بر این بنده تصور می کنم صلاح نیست در اطراف این قضیه با این ترتیبی که آقای مستشار السلطنه می فرمایند داخل مذاکره شویم علاوه يك استراضی شده و دولت مسئول ادای اقساط قروض است ما چه تمعق می توانیم بکنیم و چه نظریاتی می توانیم در این قضیه اتخاذ کنیم؟ آیا می توانیم منکر شویم؟ یا می توانیم بگوئیم چرا دولت قرض کرده؟ یا می توانیم بگوئیم دولت نباید این قرض را بدهد؟ هیچ کدام اینها مقتضی نیست بنا بر این همینطور که بدولت حاضر اطمینان داریم باید عملیات آنها را هم تصدیق کنیم

**رئیس -** بدون اینکه بیانات آقای نصیر السلطنه را خواسته باشیم تکذیب کنیم باید يك مسئله را تذکر بدهم و آن این است که اعضای دولت همیشه معتبر نیست چنانچه چندی قبل اعتبار خوشنار را در همین جا اظهار کردند باطل است (جمعی گفتند صحیح است)

آقای فهیم الملک (اجازه)  
**فهیم الملک -** برای استحضار خاطر آقایان لازم است شرحی عرض شود این مبلغ که از باب اقساط قروض ذکر شده دو قسم است:

اولاً دولت ایران دو فقره قرض بدولت انگلیس دارد یکی قرضه هند است که چهار پنج سال دیگر تمام می شود و یکی دیگر قرضه سنه ۱۹۱۱ است که دوست و پنجاه هزار لیره است

این دو فقره قرض اصلاً و فرعاً بطور استهلاک پرداخت می شود که بتصویب مجلس رسیده يك قرض دیگر هم هست که در دوره قنوت بین دوره دوم و سوم برای تأسیسات ژاندارمری چند فقره قرض شده است و ضمناً شرط شده که این وجوه بطور مساعدت بابت يك قرض کلی محسوب میشود و از بابت این قروض فقط فرع داده می شود و اصل داده نمی شود چون اصل قرض که ماهیانه یازده هزار و پنجاه و چهار لیره داده می شود

همین لیره بوده است اقساط آن بنرخ روز قیمت لیره حساب و پرداخت می شود و صورت مفصلی دارد که محتاج طبع و توزیع هم نخواهد بود  
**رئیس -** بنده اشتباهاً بجای عالی اجازه دادم چون عضو کمیسیون نیستم

آقای حاجی شیخ اسدالله (اجازه)  
**حاجی شیخ اسدالله -** راجع باقساط قروض در کمیسیون اجمالاً مذاکراتی شده و گفته شد این قروض سابق است و در دوره قنوت اگر چیزی گرفته شده باشد کمیسیون بودجه آن را قبول نکرده ولی نمی دانم گرفته اند یا نگرفته اند و اگر در دوره قنوت قرض گرفته باشند هر کس که گرفته باشد ما آن ها را برسمیت نمی دانیم و دولت انگلیس بهر کس پولی داده است خودش می داند با آن شخص

**رئیس -** مذاکرات کافی است؟ (گفته شد کافی است)  
**رئیس -** پیشنهاد آقای مستشار السلطنه مجدداً قرائت میشود و رأی می گیریم (بمضمون مزبور قرائت شد)

**رئیس -** آقایانی که این پیشنهاد را قابل توجه می دانند قیام فرمایند (چند نفری قیام نمودند)

**رئیس -** قابل توجه نشد رأی می گیریم در خود ماده آقایانی که ماده سیزدهم را تصویب می کنند

قیام فرمایند

(اقلب قیام نمودند)

رئیس-تصویب شد

ماده ۱۴ قرائت می شود

(شرح آتی قرائت شد)

ماده ۱۴ برای حمل غله و ممیزی و مخارج انتظامی ضرابخانه پیشنهادهای دولت (۲۵۰۰۰۰۰) تومان تصویب کمیسیون هم همین مبلغ است  
رئیس- آقای مستشار السلطنه (اجازه)

مستشار السلطنه- بنده در این قسمت هم اعتراض دارم و مخالفم بواسطه آنکه درست از بودجه جرقه اطلاع ندارم بودجه اغلب حضرت همایونی و دربار سلطنتی را که تصویب کرده ایم موافق آن تصویب یک جنس بدربار سلطنتی در محل باید داده شود اداره حمل و نقل نباید متحمل کرایه این جنس بشود و همچنین در خصوص اداره ارزاق هم اگر اداره ارزاق این مبلغ را تحویل بخرانه می کند با این مطلب هم مخالف هستم برای اینکه یک عده اسب و فاطر در وزارت جنگ است که آن ها بدون آنکه کار کنند بسته شده اند و برای حمل این نوع جنسها که متعلق بدولت و وزارت ماله است

البته با دستگاههایی که سهل تر است باید جنس را از حومه و باوکات طهران تحویل گرفته بیاورند بهر کس باید بدهند بدهند بنابر این بنده هرچه فکر کردم که شدت لزوم این خرج را بدانند که ما اعتبار بدهیم و وجباتی بنظر بنده نرسید

وزیر عدلیه - در جواب آقای مستشار السلطنه

اولا باید عرض کنم که این ماده دارای سه خرج است که از همه بزرگتر است و ممتاز است و یک خرجهای حتمی هم نیست ممکن است نشود این خرج یکی برای حمل غله و یکی برای مخارج انتظامی است اشکال ایشان راجع بود بحمل غله و بالاخره راه حلی که پیدا کردند فرمودند شترها و قاطرهای وزارت جنگ آنها را حمل کنند و بطهران بیاورند و تصور فرمودند این قسمت فقط مربوط بطهران است و یا آنکه وزارت جنگ یک شترها و قاطرهای بیکاری دارد که مشغول جنس کشی بشوند تفاوت وزارت جنگ حالیه با وزارت جنگهای سابق این است که هیچ چیز بیکار ندارد همانطور که قشون بیکار ندارد قاطر و شتر بیکار هم ندارد تا باین عرض می کنم که در ولایات هم جنس هست و برای اطلاع نماینده محترم عرض می کنم که جنسهای مالیاتی ما بر دو قسم است جنس بار کرده و جنس بار نکرده جنس بار کرده یک دایره مرتبی دارد که تقریباً سه فرسخ بحمل جمع آوری جنس بانبار مانده مالیات دهنده مکلف است که جنس خود شرا بار کرده و بر کرا انبار غله تحویل بدهد ولی عدالت اقتضای این را ندارد یک رعیت بیچاره که باید مشغول زراعت باشد وادارش کنند که جنس خود را از بیست فرسخ راه بار کند و بیاورد تحویل انبار بدهد این

برخلاف حق عدالت و برخلاف حمایت از رعیت است پس بنا بر این چه باید کرد باید همان دولتی که مالیات جنسی دارد باید قبول زحمت کند و یک پولی از بابت کرایه بدهد و جنس خود را بهر کجا که می خواهد حمل کند غیر از این هر چه گفته شود منطقی نیست لذا برای حمل این قبیل مالیاتهای جنسی و برای اینکه بودجه کاملتر نوشته بشود دولت مجبور است حتی الامکان این قبیل مخارج واقعی با تقریبی خودش را پیش بینی کند برای حمل جنس هم البته یک مبلغی در ضمن این اعتبار ممکن است خرج بشود و ممکن است خرج نشود ولی مبلغ حقیقی این ماده فقط در ضمن لایحه تفریح بودجه معین میشود پس یک قسمت از این پول مربوط بکرایه حمل جنس میشود یعنی همان مالیاتهای جنسی که دولت در مرکز ولایات دارد و مجبور است بانبار حمل کند قسمت دیگر راجع به ممیزی است فرض بفرمائید که از فلان ده شکایت از زیادای مالیات یا از محل نامیدن محصول میرسد علی الخصوص در انبورد که چه صدماتی بواسطه جنگ بین المللی بقره ودهات ما وارد شده است این شکایت هر روز میرسد آیا دولت باید بگوید که من گوش بتظلم شما که رعایا هستید نمی دهم و مجبور هستید اگر ده هم خراب باشد مالیات را بدهید خیر لابد دولت مجبور است مأمورینی اعزام کند و رسیدگی نموده و تحقیق نمایند که این ده خراب است آیا دولت چقدر مالیات باید گرفت چقدر باید تخفیف داد تمام اینها یک مخارجی است که البته در ضمن بودجه باید معین بشود و بنام مخارج پیش بینی شده اعتباری در بودجه پیش بینی شده یک مسئله دیگر مخارج ضرابخانه است که متأسفانه یکی از منابع های ایداعات ما است و قلاً تعطیل شده و این یک ضرری است که در این مدت بما وارد آمده و دولت حاضره سعی دارد حتی الامکان در تأسیس ضرابخانه جدید بعمل آورد و شاید از این راه بر ایداعات مملکت اضافه شود مخارج ضرابخانه منحصرأ معدود بحقوق اعضاء و اجزاء آن نیست بلکه ذغال می خواهد سوخت می خواهد نان و غیره این نوع مخارج جزء مخارج انتظامی ضرابخانه محسوب می شود تمام این سه قلم را هیئت دولت جمع نمود و برای تمام آنها ۲۵۰ دویست و پنجاه هزار تومان اعتبار خواسته و ممکن است در موقع پیشنهاد نمودن وجه قطعی این سه ماده هم از هم مجزی شده و برای هر یک از مخارج حمل غله و مخارج ممیزی و مخارج انتظامی ضرابخانه جدا گانه اعتبار خواسته شود و در حال بنده خیال می کنم که این مواد ۳-۱-۱۵ موادی است که قابل مذاکره نمی باشد علی الخصوص در ماده اخیر که راجع با اعتباری است که بدولت داده می شود و معلوم نیست مخارج این اعتبار چه خواهد بود و البته مخارج آن در ضمن قانون تفریح بودجه تقدیم مجلس خواهد شد بنا بر این بنده هیچ اشکالی در تصویب این ماده نمی بینم

رئیس - آقای کازرونی اجازه کازرانی - بنده موافق با فرمایشات آقای

وزیر عدلیه هستم  
رئیس - آقای سهام السلطان  
رئیس - بنده هم موافقم  
رئیس - آقای حاج میرزا علی محمد دولت آبادی  
حاج میرزا علی محمد - بنده هم بعد از فرمایشات آقای وزیر عدلیه موافق شدم  
رئیس - آقای محمد هاشم میرزا  
محمد هاشم میرزا - بنده هم موافقم  
رئیس - آقای حاج نصیر السلطنه هم موافقت ؟  
حاج نصیر السلطنه - بلی  
رئیس - آقای زنجانی چطور ؟  
آقای زنجانی - بنده مخالفم  
رئیس - بفرمائید  
زنجانی - بنده عضو کمیسیون هستم و در کمیسیون هم مخالف بودم صورتی برای مخارج حمل غله از طرف دولت پیشنهاد شده بود بنده مخارج ممیزی و ضرابخانه هم اضافه شده بنده عرض کردم این مخارج حمل غله برای کجا است و ترتیب آن چیست و چه فایده دارد ؟  
در صورتیکه خود می دانستم زیرا از خارج شنیده بودم می دانستم که یک مقدار غله از ولایات بطهران حمل میشود و کرایه آنهم تحمیل بر ماله مملکت می شود در صورتیکه خود ولایات گرسنه میمانند و مخصوصاً باندازه قیمت جنس کرایه داده میشود برای اینکه هم بطور صحت نیست و فایده از آن میبرند که حمل مینمایند و در حساب دولت زیاد تر منظور می دارند آقای وزیر عدلیه فرمودند در جاهایی که مالیات جنسی گرفته میشود آن اجناس را حمل بانبار های غله می کنند بنده آنچه دیده ام یا این بوده است که حمل نموده اند بلکه در همانجا ها بفروش رسانیده اند و با اگر همه حمل کرده اند ابداً پول کرایه نداده اند بلکه رعیت خودش باید آنرا حمل نموده و اگر کس بیارود او را کنت هم میزنند و کم بوشش را هم میکینند و کرایه هم نمی دهند ولی همانطور که عرض کردم اغلب هم انبار می کنند و در همان محل خود بهتر فروخته میشود می فروشند و این مسئله اسباب دخلی برای امنای ماله شده است  
باری هر چه در کمیسیون توضیح خواستم چون خود وزیر ماله سابق چندان اطلاعی نداشت نتوانست توضیح بدهد می گویند این انبار برای این است که بر رعیت ظلم نشود و بحال رعیت ترحم نمایند و اجناس را حمل نموده برای رفاهیت مردم انبار نمایند بلی اگر اینطور بوده بنده هم این اعتبار را تصویب می کردم یکی چون بنده از اساس مطلب مطلع ام باین جهت مخالفم مگر اینکه یک صورتی داده شود که از فلان مکان فلان مقدار جنس باستی حمل شود و قیمت حمل آنهم فلان مقدار است والا این حرفها کلیه بی اساس است

مثل این است که می گویند فلانجا باقی شد قشون فرستادیم پول بدهید و همینطور خرج تراشی میکنند باینکه میگویند فلانجا خراب شده مردم زیر آوار میروند پول بدهند تعمیر کنیم عاقبت بعد از تحقیق معلوم میشود اساس صحیحی نداشته است باری اگر صورت جزو این اعتبار معلوم باشد بنده موافقم والا موافقت نخواهم کرد  
رئیس - آقای سهام السلطان (اجازه)  
سهام السلطان - همانطور که آقای زنجانی فرمودند در کمیسیون بودند بنده هم عضو کمیسیون هستم و در همان موقع وزیر ماله توضیح خواستم و ایشان توضیحاتی دادند که تا یک اندازه اعضاء کمیسیون را قانع نمود اولاً حمل غله از دو نقطه میشود یکی برای مرکز دیگری در ایالات و ولایات و اینکه آقای وزیر عدلیه فرمودند تا سه فرسخ خود رعایا حمل مینمایند این مسئله هم عمومیت ندارد در بعضی نقاط ابداً این ترتیب مرسوم نیست و فقط دولت حق دارد ازدهی که مالیات جنسی باید بپردازد و جنس خود را دریافت نماید و رعیت مجبور نیست آن جنس را بر کز ایالات یا ولایات حمل نموده و در انبار غله تحویل بدهد دیگر قسمتی است که برای مصرف خباز خانه بطهران حمل میشود دولت این اعتبار را برای حمل این دو قسمت درخواست نموده که در مدت سال بابت کرایه پرداخته و بعد صورت بدهند و اگر هم کس آمد کسری آنرا بمجلس پیشنهاد نموده و اعتبار خواهد خواست در هر صورت باستی این غلبان داده شود زیرا ممکن است در موقع بتواند جنس خود را بصرف رساند و اگر در مجلس بماند ضرر دولت فراهم می شود مرکز هم دچار سختی خواهد شد باین جهات بود که کمیسیون بودجه متقاعد شد و این اعتبار را تصویب نمود  
رئیس - آقای آقا سید یعقوب مخالفید  
آقا سید یعقوب - بلی  
رئیس - بفرمائید  
آقا سید یعقوب - این شرحی که آقای وزیر عدلیه بیان فرمودند بنده را قانع نکرد زیرا این مسئله که فرمودند یا جزء بودجه وزارتخانه است و یا جزء اعتبار مخارج پیش بینی نشده مملکت بنده دیگر تصویب اعتبار جدا گانه را برای آن نمی فهمم مایک میلیون و شصت هزار تومان برای وزارت ماله رأی دادیم خوب است مخارج انتظامی ضرابخانه و ممیزی و حمل غله که جزء وزارت ماله است در جزو بودجه وزارت ماله محسوب داریم و یک ماده جدا گانه لازم ندارد گذشته از این که بنده نمی دانم مأمورین ماله در ولایات چه بسر مردم می آورند و با چه فشار غله را بر کز حمل می نمایند منتهی چون وزیر ماله یک میلیون و شصت هزار تومان برای وزارت ماله پیشنهاد نموده خجالت کشیده که این مبلغ را هم علاوه بر بودجه وزارت ماله منظور دارد ممکن است این مبلغ را در جزو اعتبار کلی

دولت که ماده ۱۵ است منظور داشت و در آنجا که ۹۵۰ هزار تومان بدولت اعتبار داده شده و این ماده هم چون جزو اعتبارات است جزو آن ماده ذکر شود  
وزیر عدلیه - متأسفانه نظر آقای آقا سید یعقوب صائب نیست و لزوماً خاطر آقایان زنجانی و آقا سید یعقوب را باین نکته متوجه میکنم در صورتیکه ما تمدن باقی را که فرمودند تصدیق نمائیم بیشتر ملزم میشویم یک چنین اعتباری را تصویب نمائیم زیرا اگر این پول را تصویب نمائیم در حکم این است که اجازه بدهیم همان ترتیب سابق برقرار باشد قبل از آنکه بامور ماله بگوئیم که توجیه ندادی کرایه به رعایا ندهی باید اعتباری برای مصارف کرایه معین نمائید و بعد بگوئید در صورتیکه اعتبار معین نموده ایم چرا حمل جنس را بر رعایا تحمیل نموده و ظلم مینمائی بنا بر این باستی در بودجه برای اینگونه امور یک اعتبار خاصی منظور داشت تا حتی المقدور از تمذیبات جلوگیری شود اما اینکه فرمودند ما در ماده پنجم برای وزارت ماله یک حقوقی تصویب نمودیم این ماده هم باستی در جزو همان اعتبار منظور شود بنده عرض می کنم باستی فراموش نمود که پولی که مجلس برای برای وزارت ماله تصویب نمود برای مواجبه حقوق اعضاء و اجزاء بود و همچنین باستی فراموش نمود که کمیسیون بودجه از (۳۳۵۰۰۰۰) تومان آثرا تصویب و دولت فقط (۲۴۰۰۰۰۰) تومان آنرا تصویب و ما بقی را رد کرد حالا سر کار میفرمائید که اعتبار محل جنس و مخارج انتظامی ضرابخانه و غیره را هم در جزو همین مبلغ منظور داریم ؟ این مسئله غیر ممکن است و اما اینکه فرمودید این مبلغ در ضمن اعتبار کلی دولت منظور شده بنده گمان میکنم از نقطه نظر بودجه باید برعکس تقاضای نماینده محترم رفتار کرد زیرا اقلام اعتبارات هر چه متفرد تر هر چه روشن تر و محدود تر باشد بمقیده بنده خیلی بهتر است و موجبات نظارت مجلس شورای ملی بیشتر تأمین می شود و اگر دولت چنین پیشنهادی می کرد آقایان نمایندگان باید خودشان تقاضای تجزیه می نمودند بنا بر این دولت برای حمل جنس و ممیزی و ضرابخانه تقاضای اعتبار جدا گانه نمود علی الخصوص که گمان میکنم ماده پنزدهم با اصلاحاتی که شده مورد پیدا نماید این است که بمقیده بنده ماده چهاردهم باید در جای خود باقی باشد  
رئیس - آقایان مذاکرات را در ماده ۱۴ کافی نمیدانند ؟  
(اغلب گفتند کافی است)  
رئیس - رأی می گیریم بماده ۱۴ آقایانیکه ماده چهاردهم ضمیمه را تصویب می کند قیام فرمایند (اغلب نمایندگان قیام نمودند)  
رئیس - تصویب شد ماده ۱۵ قرائت میشود (آقای تمدن بمضمون ذیل قرائت نمودند)  
ماده ۱۵ - برای مخارج عمومی پیش بینی نشده مملکتی پیشنهادی دولت و تصویب کمیسیون بودجه هر دو نهصد و پنجاه هزار تومان مطابق شرط ماده ۵ قانون

رئیس - آقای آقا سید یعقوب (اجازه)  
آقا سید یعقوب - اگر چه بنده از این وعده اخیری که آقای وزیر عدلیه راجع به از میان رفتن ماده ۱۵ فرمودند خیلی خوشحال شدم ولی اگر این ماده بحال خود باقی باشد بنده عرض می کنم این ماده برای مخارج پیش بینی نشده نوشته شده بنا بر این ما چگونه می توانیم رأی بجهول بدهیم در صورتی که اول تا آخر این لایحه برای تمام مخارج کلی و جزئی از حقوق شاه مخلوع و شاه و ولایت عهد و غیره اعتباری معین نموده ایم دیگر چیزی در نظر نماینده که دوباره ۹۵۰ هزار تومان بدولت اعتبار بدهیم هر وقت دولت خواست خرجی خارج از بودجه بنماید ممکن است لایحه اش را بمجلس تقدیم نماید و الا در صورتی که ما برای هر خرجی اعتباری داده ایم و برای هر یک از وزارتخانهها اعتبار علیحدگیه یا بودجه جدا گانه منظور داشته ایم دیگر بنده از مخارج پیش بینی نشده چیزی نمی فهمم اگر توضیحی دارند بدهند که بنده خیلی معنون می شوم  
وزیر عدلیه - اولاً برای آقا سید یعقوب در عرایض بنده واقع شد بنده عرض کردم ماده ۱۵ از بین می رود بنده عرض کردم این ماده مورد عمل واقع نخواهد شد مخصوصاً خاطر نماینده محترم را بماده هشتم رابرت کمیسیون بودجه جلب می کنم که می گویند مبلغ پنجاه هزار تومان برای مخارج فوق العاده مملکت تا اول حمل ایت ثیل بدولت اعتبار داده می شود که در موقع لزوم بموجب تصویب نامه های صادره از هیئت وزراء و وزارت ماله تأدیبه و صورت آن را در آخر برج بمجلس شورای ملی تقدیم دارد  
بنابر این ماده پنزدهم بجای آن مورد پیدا نخواهد کرد و این ۹۵۰ هزار تومان اعتباری که خواسته شده است برای معین کردن همان عبارت قدیمی است که گفته می شد چهار دیوار است که دولت باید در حدود آن چهار دیوار بودجه جزء خود را تا بانزدهم دولت تعیین و بمجلس تقدیم کند و یک اجازه است برای برای اعتبار آتیه که در بودجه جزو باید منظور شود و اقلام جزو آن در موقع اطلاع مجلس شورای ملی خواهد رسید از نقطه نظر عمل تصور فرمائید بمجلس ۹۵۰ هزار تومان بدولت اعتبار میدهد که امروز خرج خرج کند زیرا فرض هم که رای بورت هشتم دو کمیسیون بودجه تصویب شود تازه مجلس شورای ملی بدولت پنجاه هزار تومان بیشتر اعتبار نداده است بنا بر این این اعتبار ۹۵۰ هزار تومان برای مجاری است که در سال آتیه روی می دهد  
رئیس - آقای حاج میرزا علی محمد دولت آبادی (اجازه)  
حاج میرزا علی محمد - چون بالنسبه سایر وزارتخانه های ما فقط وزارت معارف صورت بودجه جزو خود را تقدیم نموده و در آنجا برای وزارت ۱۲ هزار تومان منظور شد

لذا بنده تصور می کنم که سایر وزارتخانه ها هم بمنظور اعتباراً - مخصوص در جزو بودجه برای خودشان منظور داشته اند بنابراین باین اعتبارات جداگانه دیگر موضوعی برای این اعتبار کل باقی نمی ماند و اگر مخارج فوق العاده پیش بیاید البته بایستی بمجلس پیشنهاد نمایند والا بهر يك ازوزارت خانها يك اعتبار مخصوص داده شده است و وزیر می تواند بمسئولیت خود بمصارف لازم برساند و اگر کلیه آنها را جمع نمایم خودش يك اعتبار کلی میشود و دیگر محتاج بابتبار ۹۵۰ هزار تومان نخواهد بود و اگر مخارج فوق العاده برای دولت اتفاق افتاد بمجلس پیشنهاد نموده و بعد از تصویب مجلس بمصارف لازمه خواهد رسانید.

**رئیس - آقای محقق العلماء ( اجازه )**

**محقق العلماء -** بنده باین ماده مخالفم

**رئیس - آقای محمد هاشم میرزا ( اجازه )**

**محمد هاشم میرزا -** گویا آقایان ملتفت

باشند اعتباریکه برای هر يك از وزارتخانه ها منظور شده برای مخارج پیش بینی نشده . همان وزارتخانه است مثلا از وزارت معارف این اعتبار برای این است که اگر مثلا وقتی خواست يك مدرسه تازه تأسیس نماید بتواند مخارج آنرا از همین اعتبار بپردازد ولی اعتبار صکالی که بدولت داده می شود مخصوص يك وزارتخانه نیست راجع بمخارج کلی مملکت است ممکن است این اعتبار برای وزارت جنگ یا وزارت داخله لازم شود یا برای يك تأسیس مملکتی که هیچ اختصاص بيك وزارتخانه نداشته باشد لازم شود و بعلاوه همانطور که توضیح دادند مقصود از این اعتبار اینست که فی الفور مبلغ آن اعتبار را خرج کنند بلکه مقصود تعدیل بودجه مملکتی است که به بنیم بقدر مخارج و قدر عایدی داریم يك مخارجی هست که در هر يك از وزارتخانه ها موسوم ومعمول است وممكن است در هر سال اتفاق بیفتد این است که آن مخارج را برای هر وزارتخانه منظور داشته ایم ولی يك مخارجی است که سابقه ندارد و ممكن است در مملکت لازم شود و چون حد معینی برای آن نمی توان بطریق قطع پیش بینی نمود این است که حداکثر آنرا ۹۵۰ هزار تومان معین نمودیم حالا بچه ترتیب این ۹۵۰ هزار تومان باید خرج شود این يك مطلبی است که در هر موقعی که بودجه جزو بمجلس بیاید مذاکره خواهد شد و هر طوریکه آقایان صلاح بدانند بمصرف خواهد رسید بنابراین این اعتبار برای مخارج کلی پیش بینی نشده مملکتی است و هیچ ربطی بموضوع اعتبارات جزئی وزارتخانه ها ندارد .

**رئیس - آقای محقق العلماء ( اجازه )**

**محقق العلماء -** بنده باین ماده مخالفم اگر این مبلغ اعتباری است که بعد باید بودجه جزئی به مجلس بیاید بنده موافقم ولی اگر مطابق ماده پنجم رابرت کمیسیون بودجه دولت مجاز باشد در هر ماه تا میزان چهل هزار تومان از این مبلغ را مطابق

تصویب نامه های هیئت وزراء تأدیبه نموده مازاد آن اگر لازم باشد با اجازه مجلس شرح نشود مخالفم باز تکرار عرض میکنم اگر تمام این مخارج با اجازه مجلس باشد موافقم و اگر مطابق ماده پنجم قسمتی از آن با اجازه مجلس نباشد مخالفم و رأی میدهم

**رئیس - آقای سهام السلطان ( اجازه )**

**سهام السلطان -** اگر همین ماده پنجم را بدقت ملاحظه فرمائید خواهید دید که نصد و پنجاه هزار تومان برای مخارج پیش بینی نشده بدولت اعتبار داده میشود و این يك مخارجی است که فعلا نمی توان پیش بینی نمود چنانکه در ظرف همین مدت يك مخارجی از قبیل تعمیر سد جاجرود و غیره پیش آمده و از طرف دولت پیشنهاد شد و مجلس هم تصویب نمود و اگر دولت بخواهد هر يك از این مخارج را ابتدا پیشنهاد نماید و بعد از تصویب مجلس بمصارف لازمه برساند ممكن است اسباب تأخیر کار و خسارت دولت شود بنابراین کمیسیون بودجه راجع بتصویب ۹۵۰ هزار تومان دو شرط نموده یکی آنکه دولت در هر ماهی بیش از چهل هزار تومان مطابق تصویب نامه های هیئت وزرا حق ندارد از این مبلغ بمصرف برساند دیگر آنکه وزارت مالیه باید در آخر هر برج صورت جزو مخارجی که مطابق همان تصویب نامه بمصرف رسیده است تقدیم مجلس نماید و اگر مخارجی بیش از چهل هزار تومان لازم باشد باید بمجلس پیشنهاد نمود و بعد از تصویب مجلس خرج شود بنابراین در واقع دولت می تواند ماهی چهل هزار تومان بموجب تصویب نامه هیئت وزراء برای مخارج لازم بوزارت مالیه حواله دهد و وزارت مالیه مجبور است در آخر هر برج صورت جزو آن را تقدیم مجلس نماید پس منظور داشتن این مبلغ اولاً برای تعدیل بودجه و ثانیاً برای مخارج لازمه پیش بینی نشده است و این مخارج هم بدو قسمت تقسیم میشود یکی مخارج فوری و ضروری است که دولت بموجب تصویب نامه خرج نموده و وزارت مالیه در آخر هر برج صورت جزو آنرا تقدیم مجلس مینماید...

و دیگر مخارج غیر فوری که پس از تصویب مجلس به مصرف خواهد رسید

**وزیر عدلیه -** اصلاً باید قدری در اطراف این مسئله دقت شود تا مطلب مفهوم شود همانطور که آقای سهام السلطان راجع بطرز مخارج بیان فرمودند این ماده فعلاً مورد ندارد و معض احتیاج هم نیست و مبلغی که ممكن است تا موقع تقدیم بودجه های جزو بمجلس احتیاج دولت واقع شود همان پنجاه هزار تومانی است که در ماده هشتم ذکر شد حالا ممكن است بمانندگان معترض سؤال کنند که این ماده برای چه پیشنهاد شده منظور داشتن این ماده فقط برای این است که يك رقمی باشد که از نقطه یهلوی هم گذاردن ارقام عمومی وتعیین میزان کلی بودجه برای تعدیل بودجه مملکتی این رقم هم برای مخارج پیش بینی نشده منظور شده باشد و اما راجع بطرز طرح آن تمام اینها منوط بتصویب خاص مجلس شورای ملی است که در

آتی در موضوع تقدیم جزء مذاکره و تصویب خواهد شد ولی عملاً پولی که از خزانه دولت خرج خواهد شد فقط همان مبلغ پنجاه هزار تومان اعتباری است که در ماده هشتم ذکر شده این نکته را هم باید عرض کنم که چنانکه در مواقع مختلفه پیش آمده یکی از تصمیمات فطمی دولت حاضره تعاضی فوق العاده از توسل بمسئول تصویب نامه ها است دولت حاضره در نظر دارد که برای هیچ مبلغی تصویب نامه صادر نماید زیرا تأدیبه هر نوع وجهی بموجب تصویب نامه برخلاف قانون است و همچنین دولت حاضره تصمیم قطعی دارد که موجبات نظارت کامل مجلس شورای ملی را در مالیه مملکت بطرز کامل تهیه نماید لذا همیشه اجراء خواهد داشت (و باین ترتیب هم عمل خواهد کرد) که مخارج مملکتی در حدود بودجه مصوب مجلس شورای ملی باشد بنابراین از این حیث نگرانی نمایندگان محترم مرتفع خواهد شد پس منظور از داشتن این مبلغ نصد و پنجاه هزار تومان که در این ماده ذکر شده از نقطه نظر خرج کردن نیست بلکه از نقطه نظر تشخیص يك رقمی است برای تعدیل و تهیه بودجه مملکتی و عملاً پولی که فعلاً بمصرف خواهد رسید همان مبلغ پنجاه هزار تومان است که در ماده هشتم ذکر شده و گمان میکنم با این ترتیب دیگر معمل مذاکره باقی نباشد

**رئیس - آقای مستشار السلطنه ( اجازه )**

**مستشار السلطنه -** بنده با این توضیحات

آقای وزیر عدلیه می بینم درست این توضیحات برای بنده و مخالفین این ماده دلیل هست زیرا در صورتیکه می فرمایند دولت در نظر دارد فقط پنجاه هزار تومان خرج کند و آنهم از تصویب مجلس گذشته یا میگذرد دیگر بنده نمی دانم این اعتبار که جزء وزارتخانه هم نیست برای چیست در صورتیکه دولت میخواهد بودجه مملکت تعدیل شود شهادت این نظریه اش قابل تقدیس است و حتی الامکان سعی دارد که حد اقل مخارج را در نظر بگیرد خوب است این اعتبار را هم مساعدت فرمایند حذف شود که تعدیل حقیقی بعمل آید بنابراین اعتبار نصد و پنجاه هزار تومان زائد و از معدود داشتن دولت در چهار دیوار خارج است و همانطور که وجوه جزئی سه چهار هزار تومان را نمایندگان تصویب میکنند در آتی هم دولت هر چه اعتبار بخواهد تصویب خواهد کرد پس خوب است حال مساعدت فرمایند که تعدیل حقیقی در بودجه بعمل آید

**رئیس -** چون جمعی از آقایان اجازه خواسته اند اگر مخالفی نباشد بقیه مذاکرات به جلسه آتیته موکول شود

**( گفته شد صحیح است )**

**رئیس -** چند فقره پیشنهاد رسیده است قرائت میشود

**( پیشنهادی از طرف آقای تدین**

**بعضون ذیل قرائت شد**

**نظر با همیت کمیسیون خارجه و اینکه غالباً بعضی**

از اعضای آن حاضر نمی هوند پیشنهاد می نمایم که يك نفر علاوه بر عده اعضای کمیسیون مزبور از طرف مجلس انتخاب شود

**رئیس -** در این باب مخالفی هست ( اظهاری نشد )

**رئیس -** چون مخالفی نیست بنا بر این یک نفر بر اعضاء کمیسیون خارجه اضافه میشود پس از آنکه جلسه ختم شد انتخاب خواهند فرمود

**وزیر عدلیه -** بنده هم از نمایندگان محترم استعفا می کنم که چون دولت بعضی کارهایی دارد که باید بکمیسیون خارجه رجوع نماید اقدامی فرمایند که هر چه زودتر بقیه اعضاء کمیسیون خارجه تعیین شوند و این مسئله يك کمکی است که بدولت فرموده اند

**رئیس -** پیشنهاد دیگری است راجع به کمیسیون عدلیه که از طرف آقای عماد السلطنه طباطبائی پیشنهاد شده قرائت میشود

**(بعضون ذیل قرائت شد)**

این بنده پیشنهاد می نمایم شش نفر دیگر به کمیسیون عدلیه علاوه شود که کلیه اعضاء کمیسیون مزبور چهارده نفر شود

**رئیس -** این پیشنهاد مخالف ماده نظامنامه داخلی است زیرا نظامنامه حداکثر اعضاء کمیسیون عدلیه را ۱۲ نفر معین می نماید

**عماد السلطنه -** دوازده نفر نوشته شود

**وزیر عدلیه -** این تقاضا سابقاً هم از طرف آقای رئیس الوزرا شده بود که اعضاء کمیسیون عدلیه دوازده نفر شوند

**رئیس -** مخالفی نیست

**( گفته شد خیر )**

**رئیس -** آقای حاج شیخ اسدالله از آقای وزیر عدلیه سؤال دارند

**حاج شیخ اسدالله -** بنده دو سؤال از

آقای وزیر عدلیه دارم سؤال اول را عرض می کنم و بعد از آنکه جواب فرمودند به سؤال دوم میردادم اداره ثبت احوال مدتی بود در مرکز دائر بود و به تفاوت معادل از دوالی چهار هزار تومان عایدی داشت و حقوقش هم به وزارت تومان نمیرسید این اداره را دولت باید آنکه يك اداره ثبت اسنادی که نفع از آن باشد در وزارت عدلیه تشکیل بدهد منعزل کرد و فعلاً يك قانونی برای ثبت اسناد پیشنهاد نمودند که بآبستگی از مجلس بگذرد اداره ثبت اسناد حالیه چون قانون ندارد کار نمیکند لذا میخواهم سؤال کنم که آیا وزارت عدلیه در این خصوص چه نظریه دارد آیا خیال دارد این اداره ثبت اسناد را به همین حال باقی بگذارد تا قانون او مجلس بگذرد و یا میخواهند اداره ثبت اسناد قدیم را دائر نمایند که عجلتاً مشغول کار باشد تا قانون جدید از تصویب مجلس بگذرد وزیر عدلیه در نظر دارد همان اداره ثبت اسناد قدیم برقرار باشد تا قانون آن از مجلس بگذرد

**حاج شیخ اسدالله -** سؤال دیگری داشتم

راجع باعلان امتحانی که چندی است از طرف وزارت عدلیه منتشر شده ولی این اولین قدمی است که بطرف اجرای قانون برداشته میشود ولی در عین حال باز شنیده میشود که وزیر عدلیه در نظر دارد برخلاف دستخط تشکیلات بعضی استثنائات در این موقع قائل شود اگر چه این خبر هنوز رسمی نشده و خبر صحیحی در این باب ندارم ولی میخواهم به بینم راجع با امتحان آیا بطور کلی تمام اعضاء وزارت عدلیه باید امتحان بدهند تا سابقه و امتیاز قضایی بموقع عمل گذارده شود

**وزیر عدلیه -** جواب سؤال نماینده محترم

را قانون میدهم بنده هر چه ماده ۱۴۷ قانون تشکیلات معین کرده است همان را مطاع دانسته و از اداه هیچکس را فوق اراده قانون نمیدانم فقره چهارم از ماده ۱۴۷ اول دادن امتحان را برای خدمت در عدلیه واجب و لازم شمرده بطوریکه در يك مورد دیگر هم در همین جا

عرض کردم بنده خودم را مکلف با اجرای قانون می دانم و اگر ترتیبی حاصل شود که يك قدم از قانون تخلف شود آنوقت دیگر بنده وزیر عدلیه نخواهم بود ماده ۱۴۷ میگوید اولاً هر کس میخواهد در عدلیه خدمت کند باید مطابق قانون امتحان بدو وقتی امتحان داد داخل در عدلیه بشود در جزه چهارم شرایط استخدام را خود ماده تصریح میکند که رسوا و اعضاء معاکم و صاحب منصبان و مستخدمین عدلیه باید کلاً دارای شرایط ذیل باشند اولاً تابعیت ایران ثانیاً دین اسلام ثالثاً کمتر از آنچه در ذیل معین میشود نباید در ارباباً دادن امتحانات علمی و عملی در انجمن امتحان وزارت عدلیه موافق پروگرامی که وزیر عدلیه مرتب و بعد از گذشتن از مقامات لازمه تطبیح و اعلان خواهد کرد

مادامی که مدرسه حقوق تأسیس و اعضاء واجزه برای معاکم و ادارات عدلیه تهیه نشده است بنابراین قانون برای من استثناء بردار نیست قانون معین کرده

است که غیر از کسانی که از مدرسه حقوق فارغ التحصیل شده باشند یعنی دوره سه ساله مدرسه حقوق را تمام کرده باشند تمام اشخاصی که میخواهند داخل عدلیه شوند باید امتحان بدهند و این مسئله هم حقی را از کسی سلب نمی نماید زیرا مدارس ماهوماً برای مشاغل عمومی اجراء تهیه مینماید ولی در عین حال ممكن است يك وزارتخانه برای بعضی احتیاجات خود محتاج باعضای خاصی باشد و این مسئله لطمه بکسی وارد نمی آورد بنابراین این بااستثنای فارغ التحصیل های مدرسه حقوق مادام که بنده وزیر عدلیه هستم تمام کسانی که میخواهند داخل وزارت عدلیه بشوند باید مطابق فقره چهارم این ماده امتحان بدهند

**رئیس -** جلسه آتی روز پنجشنبه دو ساعت قبل از غروب و دستور آن مذاکرات در راپورت کمیسیون بودجه خواهد بود

مجلس سه ساعت و نیم از شب گذشته ختم شد

**مؤمن الملک**